

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : ۹۲/۰۶/۳۱

موضوع: اعلمیت علی ع در روایات اهل سنت و مقایسه علم حضرت با دیگران

آقای محسنی:

بسم الله الرحمن الرحيم.

با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد. سلام عرض می کنم بینندگان عزیز هر کجای عالم هستید امیدواریم در صحت و عافیت باشید ممنون هستیم که این برنامه ی حبل المتین را در میان برنامه ها انتخاب فرمودید و این هم نشان از توجه شما به مسائل مذهبی و علمی است.

سپاس گذاری می کنیم و امیدواریم که تا پایان برنامه همراه ما باشید. برنامه ی حبل المتین که در هفته یک شب تقدیم شما عزیزان می شود در این شبکه ی مقدسه ی اهل بیت که الحمد لله، شبکه ی ولایت الحمد لله امروز به یک دانشگاهی تبدیل شده است که همه ی عزیزان ما می توانند به راحتی و به سهولت از این برنامه ها استفاده کنند و این را واقعا باید در درگاه خداوند شکر گذاری کرد که شبکه ی جهانی ولایت توانسته است این مقام را به دست بیاورد و خداوند این توفیق را داده است و توجهات حضرت ولی عصر سلام الله علیه که توانسته است این جایگاه را در عالم پیدا بکند.

که همه ی بینندگان عزیزی که نشسته اند پای برنامه اذعان می کنند که ما واقعا داریم استفاده می کنیم و گویا در سر کلاس درسی نشسته ایم که هر روز داریم به مطالبی که گوش می کنیم و توجه می کنیم به آموخته هایمان افزوده می شود و الحمد لله روز به روز دارد بهتر هم می شود.

در خواست می کنیم از شما عزیزان که بیننده ی این برنامه ها هستید دعا بفرمایید که خداوند توفیقات این شبکه و همه اعزا مخصوصا مسئول این شبکه را بیشتر بکند که ان شاء الله بتوانیم در خور و شأن اهل بیت علیهم السلام برنامه های بهتری را تقدیم شما عزیزان بکنیم.

این برنامه چه برای شیعیان عزیز و چه برادران عزیز اهل سنتمان کاملا قابل استفاده است و از خداوند می خواهیم که توفیقات ما را در این زمینه بیش تر بکند. به هر صورت چون ما مطالب را علمی تقدیم شما عزیزان می کنیم و دور از هر گونه تعصب و خدایی نکرده جانب داری ها یا تعصبات بی جایی که صورت می گیرد ما داریم این مباحث را عالمانه تقدیم شما عزیزان می کنیم و این همه شیعیان و هم برادران اهل سنت دارند به یک مستوایی از حقیقت و مباحث علمی می رسند که این را از خداوند ممنون هستیم که این توفیق را به ما داده است.

ما از برادران اهل سنت خواهش می کنیم و در خواست می کنیم که لطف کنند با عینک حقیقت بین مباحث را پیگیری بکنند تا ان شاء الله آن چه که حقیقت است به هر صورت ما و شما فردای قیامت سوال خواهیم شد و چه خوب است که در این دنیایی که می توانیم تصمیم بگیریم برای خودمان و اگر حقیقتی را هم شنیدیم تعصبات را کنار بگذاریم و پیروی کنیم و برویم دنبال کنیم و ان شاء الله خداوند هم به ما خیر خواهد داد.

و ان شاء الله روز قیامت مصاب خواهیم بود و ان شاء الله رستگار. در خواست می کنیم که با توجه عالمانه نگاه مباحث کنید و تعصبات را کنار بگذارید ان شاء الله عزیزان ما ارتباط بر قرار بکنند چون عمده مطالبی که تقدیم شما عزیزان می شود از کتب برادران اهل سنت است این را بارها عرض کرده ایم. هم سند حقانیت اهل بیت می تواند باشد و هم این که عزیزان ما راحت تر ارتباط بر قرار کنند.

ان شاء الله امیدواریم که چه شیعیان عزیز و چه برادران اهل سنت عزیز ما بتوانند از این برنامه به خوبی استفاده بکنند. ما دعوت می کنیم از عزیزان تا پایان برنامه همراه ما باشند ما در خدمت کار شناس عزیز حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم.

سلام و عرض ادب دارم خدمت استاد عزیز.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. بنده هم خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی در هر کجای این کره ی خاکی ما را مهمان کانون با صفای خانواده ی خویش قرار داده اند خالصانه ترین سلام را تقدیم می کنم موفقیت همه ی گرامیان را از خدای منان خواهانم قضای حوائج رفع گرفتاری اجابت دعا برای همه از خدای منان مسئلت می کنم. و انتظار آن دارم که عزیزان هم ما را از دعای خیر به ویژه مضان اجابت دعا فراموش نکنند.

آقای محسنی:

سپاس گذاریم حاج آقا این فرصت را که در اختیار ما قرار داده اید و همه ی بینندگان عزیزمان. اگر خاطر شریف شما بینندگان عزیز هم باشد سلسله مباحث برنامه ی جبل المتین که در هفته یک شب تقدیم شما عزیزان می شود پیگیری می شد با مباحثی پیرامون عدله ی عقلی امامت بود که ما عرض کردیم نزد اعلامی اهل سنت سه شاخصه از اساسی ترین شاخصه های امامت است و ولی مسلمین و حاکم اسلامی باید این شاخصه ها را داشته باشد و این خصوصیات را داشته باشد که اهم این ها این سه گزینه بود علم بود که باید اعلم از افراد جامعه باشد.

شجاعت و عدالت بود که در بحث علمش بحث حدیث.

ان مدینة العلم و علی بابها.

را مطرح کردیم که با چهارده روایت استاد این را برای ما بیان فرمودند و استفاده کردیم. شبهاتی که به این حدیث وارد شده بود حضرت استاد کاملاً پاسخ دادند و مشکلاتی را که آقای ابن تیمیه مطرح کرده بود این ها را یک به یک حضرت استاد جواب دادند که در جلسه ی گذشته هم پیرامون مباحثی که نسبت به آن حدیث. اقتدوا باللذین.

بود که این را هم استاد کاملاً جواب دادند و ما امشب می خواهیم از حضرت استاد در یک زاویه بحث دیگری را باز کنیم نسبت به این حدیث نورانی و ماندگار و این هم این طور است که استاد عزیز ابن تیمیه در رد حدیث. ان مدینة العلم.

گفته بود که هر کس بگوید علی اعلم از دیگر صحابه است این از دروغ گو ترین انسان ها است. لطف بفرمایید در کلام پیامبر اکرم علاوه بر این که حدیث. مدینة العلم.

که با صراحت نسبت به اعلمیت علی علیه السلام بیان شده است آیا اشاره ی دیگری هم هست؟ و مطلب دیگری آمده است یا نه؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على رسول الله آله آل الله لا سيما على مولانا على بقیة الله. و لعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله. و فوذ امری الى الله ان الله بصير بالعباد. حسبنا الله نعم الوكيل نعم المولا و نعم النصير. يا ابا صالح المهدي ادرکنا. الحمد لله الذي اعدائنا هذا و ما كنا ننهتديه لولا عن هداثنا لله.

خدا را بر تمام نعمت‌ها یش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و سپاس بی‌پایان بر این توفیقی که به ما کرم نمود و توانستیم در ظرف سه سال اندی مطالبی را در اختیار بینندگان عزیز شیعه و سنی قرار دهیم که عزیز شیعه رسماً اعلام کنند شبکه‌ی ولایت دانشگاه اسلامی را به درون خانه‌های ما کشانده است. و شیعه‌ها هم کار به جایی برسد که یک دختر نه‌ساله بیاید خیلی زیبا استدلالی امامت الهی و خلافت امیرالمومنین را از کتب اهل سنت با سند صحیح نقل کند و مفتخر هستیم. و شاکر خدای عالم هستیم. خدایا از تو ممنونیم از آقا امام زمان سلام الله علیه تشکر می‌کنیم که یک دختر نه‌ساله می‌آید در این شبکه‌ی شیطانی آن آقایانی را که ادعا یشان خلاصه گوش‌کروبیان را کرده است این را در بن بست می‌اندازد. و به استعصال می‌اندازد می‌گوید من می‌خواهم در مورد امامت امیرالمومنین حرف بزنم تحمل یک دختر نه‌ساله را ندارند این آقایانی که این همه دارند به قولی شکلک در می‌آورند و غیره و آقایان مراجع و امثال این را سوال طرح می‌کنند. با این که ما بارها گفته‌ایم این آقایان لیاقت جفت کردن کفش مراجع ما را هم ندارند.

حتی بالاتر از این، این که بخواهند با دستشان با سر و صورت شان زیر نعلین مراجع را بخواهند پاک بکنند یقین خودشان هم می‌دانند ندارند. همین اندازه به این دختر نه‌ساله بتوانند جواب بدهند کافی است. واقعا خدا را شاکریم الحمد لله ما احساس می‌کنیم آن چیزی که ما می‌خواستیم شبکه‌ی ولایت در درون خانواده‌ها انقلاب معنوی و مذهبی ایجاد کند. الحمد لله ایجاد کرده است.

البته این هنوز از نشانه‌های سحر است. حالا ما در آینده ان شاء الله آرزوهای خیلی بالاتر از این خواهیم داشت و به حول و قوه‌ی الهی و با عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به آن جا هم خواهیم رسید. و این‌ها در برابر این سوالاتی که ما طرح کردیم مخصوصاً ویژه برنامه این‌ها دیگر به سی سال انداخت بی‌چاره یشان کرد. این‌ها را در ته‌چاه همان طوری که نسبت به امام و خدا و پیغمبر ابن‌تیمیه که از بزرگان اهل سنت آوردیم صراحت دارند که ایشان منافق و عدو پیغمبر است.

در درک اصفل نار است این ها را هم این برنامه های ما در درک اصفل نار یعنی به قولی صافل ترین مرتبه ی جهنم قرار داد و این ها نتوانستند جواب بدهند حتی به سوالات ما پاسخ بدهند نه تنها در رابطه با ولایت در رابطه با خلافا ما سوالی طرح کردیم هیچ کدامشان جرعت پاسخ دادن را نداشتند.

و این ها دنبال این بودند پنج شش ماه بود یک نقطه ضعفی بگیرند از ما از شبکه ی ولایت نسبت به ام المومنین عایشه و یا نسبت به خلفا به بوق و کرنا بگذارند.

الحمد لله رب العالمین. و مکر مکر الله و مکر و الله خیر الماکرین.

شکر خدای عالم تمام مکر های این ها خلاصه به خودشان برگشت و مکر اخیرشان که قضیه ی جهاد نکاح را مطرح کردند.

الحمد لله الحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقا.

حتی بسیاری از افرادی در استان های سنی نشین به ویژه در شرق کشور با اسم شبکه ی ولایت آشنا نبودند آن ها هم الحمد لله آشنا شدند و برکت بزرگی که این مکر این آقایان داشت این که آن اهل سنت واقعی اعلامی اهل سنت واقعی و آن دسته از اعلامی اهل سنتی که گوش به فرمان این شبکه های شیطانی و وهابی و صلفی هستند که حتی ما بار ها گفته ایم که این ها دارند خط دهی می کنند.

الحمد لله اهل سنت واقعی با وهابی ها و صلفی های شیطانی هم کاملا مشخص شد. در داخل و خارج آن هایی که هم سو شدند و غیره مطالب را مطرح کردند کاملا روشن شد قضیه چه است؟ و خود مردم هم یک روز یکی از عزیزان بزرگواری که تلفن داشتیم گفت فلانی نمی دانی این قضیه ی این ها چه برکاتی برای منطقه ی ما داشت.

که حتی بعضی ها تصور می کردند مثلا بعضی ها دم از اهل سنت می زنند و دفاع می کنند واقعا این ها اهل سنت دفاع می کنند دیگر نگو که این ها از تروریست ها دارند دفاع می کنند از منافقین دفاع می کنند از وهابیت دارند دفاع می کنند. حالا ان شاء الله در آینده ما شاهد بعضی از مطالب هم هستیم البته آن قضایا هم

ان شاء الله کلیپی پخش خواهد شد ما شب چهار شنبه نسبت به موضع گیری بعضی از بزرگواران ان شاء الله خواهیم پرداخت.

و ما همان طوری که جمعه برادر بزرگوارمان حضرت آیت الله سلیمانی هم اشاره کردند که این ها بی که بر خلاف واقع خلاصه سخن گفته اند در سایت هایشان در نماز جمعه هایشان ما به همه ایشان احترام می گذاریم. همه ایشان را ما برادر خودمان می دانیم. و ما هیچ گونه اهانت و جسارت به هیچ کدامشان در این شبکه اجازه نمی دهیم.

ولی ما دوست داریم که این آقایان اشتباه خودشان را به صراحت بیان کنند همان طور که جناب آقای سلیمانی فرمودند عذر خواهی بکنند خطوط قرمز نظام را رعایت می کنیم شاید خیلی ها هم مطابق میل ما نباشد ولی ما بار ها گفته ایم نه تنها در ایران بلکه هر شیعه ای در هر کجای دنیا است اگر واقعا مثلا کسی در آلمان، آمریکا، هند، پاکستان زندگی می کند ما بار ها گفته ایم بر شیعیان لازم و واجب است مقررات آن کشور و قوانین آن کشور و خطوط قرمز آن کشور را مراعات کنند.

این طور نشود که فردا بگویند شیعه ها در هر کجا هستند قانون شکن هستند نمی دانم توطئه گر هستند چنین می کنند چنان می کنند. حالا برای وهابی ها برایشان مطرح نیست قانون شکنی و اتهام زنی و افطرا بستن از ذاتیات این ها است. چون اگر این قانون شکنی و افطرا بستن را بردارند دیگر اصلا.

آقای محسنی:

هیچ چیز برایشان باقی نمی ماند.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

هیچ چیز نمی ماند برای آن ها و لذا ما خیلی دوستانه از این بزرگوارانی که همان طور که آقای سلیمانی

اشاره فرمودند این ها بیایند استدراک بفرمایند همان طور که ما بار ها گفته ایم ما اولین بار هم هست این را

بنده عرض کردم که اهانت به مقدسات اهل سنت گناهی بزرگ و نا بخشودنی است و بارها هم گفتیم اگر از زبان خود بنده یا دیگر کارشناسان مطالبی بیان شود که استشمام اهانت به مقدسات اهل سنت باشد ما پیشاپیش از اهل سنت پوزش می‌طلبیم.

این منطق ما بوده است در طور این سه سال و ان شاء الله تا آخر هم بر این روش مان به حول و قوه‌ی الهی ادامه خواهیم داد. و گفته ایم که معصوم نیستیم اشتباه کرده ایم می‌کنیم و خواهیم کرد. این هم باز یکی از شعارهای ما است ولی اگر اشتباه کردیم این مردانگی را داریم شجاعت را داریم بیایم عملاً عذر خواهی کنیم. حالا ان شاء الله در شب چهارشنبه یک سری مباحثی را که بعضی‌ها به دروغ از بعضی از مولوی‌ها نوشته بودند و ما هم بر همان مبنا طرح مسئله کردیم این را ان شاء الله شب چهارشنبه بنده عرض می‌کنم. اگر چنانچه آن قضیه باعث شده باشد یک عزیز سنی هم مورد کم‌مهری قرار گرفته باشد از همین اکنون من از آن بزرگوار عذر می‌خواهم و پوزش می‌طلبم. این روش ما است و این هم نه تنها ما را کوچک نمی‌کند.

قطعا از نفوذ ما از حالا موقعیت ما و غیره به هیچ وجه یقین داریم نمی‌کاهد بلکه می‌افزاید. اما در رابطه با سوالی که برادر بزرگوارم جناب آقای محسنی عزیز داشتند. ما حدیث.

انا مدینه العلم و علی بابها.

را آوردیم چهارده تن از بزرگان اهل سنت که شهادت بر صحتش داده بودند آوردیم هشت تا از بزرگان اهل سنت گفته بودند.

مدینه العلم.

از القاب امیر المومنین سلام الله علیه است آن را هم ما مطرح کردیم ولی در کنارش هم گفته ایم که اگر افرادی تضعیف کردند مثل ذهبی و دیگران حرفشان را آوردیم نقد علمی کردیم و رسیدیم به حر ابن تیمیه که ایشان آمده بود در کنار این حدیث.

اقتدوا باللذین من بعدی ابی بکر و عمر.

آن هم ما مطرح کردیم هیچ اظهار نظری هم نکردیم اقوال اهل سنت را در رابطه با آن حدیث مطرح کردیم و ثابت کردیم بر این که ابن تیمیه واقعا دشمن اهل بیت و یک منافقی بیش نیست همان گونه ای که از اهل علم بزرگ اهل سنت مثل ابن حجر و دیگران نقل کردیم.

ولی یک جمله ای که جناب آقای محسنی هم اشاره کردند. ایشان می آید می گوید هیچ کدامی از اهل علم و این ها نگفته اند علی اعلم و افقه از دیگران یا علی اعلم و افقه از ابو بکر است هر کسی همچنین اجماعی را ادعا بکند.

من اجهل الناس و اکذبهم.

از جاهل ترین مردم و دروغ گو ترین مردم است.

حالا ما در این زمینه نکاتی را امشب خدمت بینندگان عرض می کنیم که اصلا این عبارت ایشان به طور کلی اهانت به نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. و این نشان می دهد بر این که آقای ابن تیمیه گویا اصلا با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یا با اهل بیتش دشمنی دارد.

من قبل از این که این مطلب را نقل کنم باز این دوستان یک لحظه مانیتور من را محبت کنند. دکتر محمود صبیح از اهل علم مصر ایشان تعبیرش این است که.

و کأن بینه و بین النبی و أهل بیتی ثارا.

گویا بین ابن تیمیه و پیغمبر پدر کشتگی و عداوت ذاتی است.

و بین اهل بیت پیغمبر گویا ایشان احساس می کند پدر کشتگی و عداوت ذاتی دارد که می خواهد از اهل بیت پیغمبر دنبال خون خواهی است. حالا با توجه به این متشکر از اتاق فرمان، بله. این دوستان باز مانیتور من را با این پاور پوینت جدید محبت بکنند. ببینید ایشان که می گوید هرکس بگوید علی اعلم است نمی دانم چنین و چنان است از.

اکذب الناس.

است. من می خواهم امشب روایاتی را که نبی مکرم آورده است.

علي بن أبي طالب أعلم الناس.

أعلم الناس.

قطعا هم شامل ابی بکر و هم عمر و هم دیگران یعنی عالم ترین انسان ها است. آقای صالحی شامی از اعلامی بزرگ اهل سنت و از شخصیت بر جسته و پر آوازه ی اهل سنت متوفی ۹۴۲ نقل می کند از نبی مکرم که فرمود:

علي بن أبي طالب أعلم الناس بالله و أكثر الناس حبا و تعظيما لا هل لا إله إلا الله.

علی ابن ابی طالب عالم ترین انسان ها به خدا است و مردم بیش از همه او را دوست می دارند.

أكثر الناس حبا.

بیش از همه به مردم محبت دارد و برای مردم و اهل لا اله الا الله احترام می گذارد.

سبل الهدی و الرشاد.

جلد ۱۱ صفحه ی ۲۹۸، باز جناب صالحی شامی نقل می کند از انس صاحبه ی پیغمبر بوده و خادم نبی

مکرم که می گوید:

أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قال: أعلم الناس بعدي علي بن أبي طالب.

عالم ترین انسان ها بعد از علی بن ابی طالب است.

بفرمایید آیا این تعبیر نبی مکرم نیست؟ حالا شما قضاوت کنید ابن تیمیه می آید این طور اراجیف می

بافد. که هر کس بگوید.

اعلم الناس. نستجير بالله. من اكذب الناس من اجهل الناس.

این هم باز.

سبل الهدی و الرشاد.

جلد ۱۱ صفحه ی ۲۹۱ چاپ دار الکتب العلمیه ی بیروت. سیوطی خیلی قاطعانه به نبی مکرم نسبت می

دهد می گوید:

أعلم أمتي من بعدي علي بن أبي طالب.

عالم ترین امت من بعد از من علی بن ابی طالب است.

از این واضح تر؟ از این روشن تر؟ جامع الاحادیث جلد ۱ صفحه ی ۴۹۱ کنز العمال جلد ۱ صفحه ی

۲۸۲، یا نه علی بزرگترین امت از نظر علم آقای محب دین طبری سنی متوفی ۶۹۴ می گوید:

أخرجه أبو عمر.

که مراد از ابو عمر آقای صاحب الصیاب ابن عبد البر است. که می گوید پیغمبر گفته است.

أنه أكبر الأمة علما و أعظمهم حلما.

علی بن ابی طالب بزرگ ترین امت از نظر علم است و عظیم ترین امت از نظم حلم است.

که همان بیست و پنج سال تحمل آن همه مصائب نشان گر اعظمیت حلم علی بن ابی طالب است.

آقای محمد علیش متوفی ۱۲۹۹ از اعلامی بزرگ اهل سنت است در کتاب منح الجلیل جلد ۹ صفحه ی ۶۴۸

می گوید پیغمبر فرمود:

علي أكثر أصحابي علما و أكثرهم حلما.

یعنی علم علی بن ابی طالب از همه ی صحابه پیش تر بوده.

آقای محسنی:

این دیگر خیلی دقیق است حاج آقا.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

دیگر این واضح و روشن است من دیگر نمی دانم. این پنج روایت حدیث ششم، ابن عساکر از عایشه

نقل می کند که فاطمه سلام الله علیها می گوید به من حدیث کرد گفت:

أن النبي قال لها.

پیغمبر به زهرای مرضیه گفت:

زوجتك أعلم المؤمنين علما.

من همسر تو قرار دادم فردی را که عالم ترین مومنین بوده.

از این واضح تر؟

أقدمهم سلما.

اولین کسی هست که اسلام آورده.

أفضلهم حلما.

آیا از این واضح تر؟ از این روشن تر؟ من و الله نمی دانم به چه زبانی باید نبی مکرم حرف بزند تا آقای

ابن تیمیه قبول بکند. البته قرآن دارد.

لهم قلوب لا يفقهون بها.

اگر چنان چه از بالا کاغذی هم بیاید و بر روی کاغذ نوشته باشد علی حق است علی اعلم است ابن تیمیه

و پیروان بن تیمیه به تعبیر ذهبی این سبک عقلا و نفهمان فاقد فهم ها قبول نخواهند کرد. احمد بن حنبل

هست امام حنابله است متوفی ۲۴۱ است از سلیمان بریده از پدرش، بریده از شخصیت های تقریبا بر جسته ی

صدر اسلام است. روایات زیادی هم از نبی مکرم دارد. بریده ی اسلمی، می گوید پیغمبر فرمود:

يا فاطمه أما ترضين أني زوجتك أقدمهم سلما و أكثرهم علما و أفضلهم حلما.

آیا راضی نیستی که تو را به همسری مردی در آورده ام اولین مسلمان و بیش ترین علم را در میان مسلمان ها و صحابه او دارد. و افضل انسان ها از نظر حلم است. و به خدا سوگند دو ناز دانه ات از جوان های اهل بهشت هستند.

فضائل الصحابه احمد بن حنبل جلد ۲ صفحه ی ۷۶۴ چاپ موسسه الرساله بیروت. باز این روایت با

تعبیر دیگر آقای ابن اثیر جذری متوفی ۶۳۰ ایشان از علی نقل می کند که فرمود: پیغمبر گفت:

یا فاطمه فو الله.

قسم به خدا.

لقد أنكحتك أكثرهم علما و أفضلهم حلما و أولهم سلما.

به خدا سوگند تو را به ازدواج کسی در آورده ام علمش از همه بیشتر حلمش از همه با فضیلت تر و

اولین کسی هم است که مسلمان شد.

اسد الغابه ابن اثیر جذری جلد ۷ صفحه ی ۲۳۹ چاپ دار احیا التراث عربی بیروت. آقای سیوطی

متوفی ۹۱۱ می گوید پیغمبر اکرم فرمود:

ما لک تبکین یا فاطمة؟

زهرا چرا گریه می کنی؟

البته من در این جا یک نکته ای را فقط یک اشاره ای بکنم این که مالک تبکین این ها تزویر ها و

تحریف ها ی زیادی شده است که رسول اکرم وقتی وارد خانه ی حضرت زهرا شد حضرت زهرا به خاطر بعضی

از مشکلات و کسالتی که داشتند یک مقداری گریه می کردند بعد حالا شاید هم این قضایا به خاطر این است

که نبی مکرم همچین سخنی را بیان کند. بعد نبی مکرم فرمود بعضی ها هم آورده اند به خاطر همان ابتدای

ازدواج که زنان مدینه طعن می زدند همان طور که به حضرت خدیجه طعن زده بودند که این همه مردان بزرگ

قریش خواستگاری کردند. به همه جواب رد دادید رفته ای با محمد یتیم که هیچ چیز در زندگی ندارد ازدواج کرده اید.

ابتدا برای حضرت خدیجه هم همچین مشکلی را آورده اند. زهرای مرضیه سلام الله علیها وقتی دارد در همین عبارت ابن اثیر را دوستان ببینند که من اول عبارتش را نیاورده ام. اسد الغابه جلد ۷ صفحه ی ۲۳۹ می گوید بله ابو بکر و عمر و این ها آمده بودند خواستگاری کنند و نبی مکرم جواب رد داد و از آن طرف عمر گفت یا علی تو بر خواستگاری رفت و این قضیه انجام شد.

یک سری از زنان مدینه و غیره اعتراض کردند طعنه زدند و این موجب شکسته شدن دل حضرت زهرا شد پیغمبر اکرم فرمود که چرا گریه می کنی؟ به خدا سوگند تو را به عقد مردی در آورده ام که علمش از همه بیش تر حلمش از همه با فضیلت تر است و از همه جلو تر اسلام آورده است. بعد سیوط می گوید:

و فی لفظ: أولهم سلما.

اولین مسلمان علی بن ابی طالب بوده.

بعد سیوطی می گوید: ابن جریر این را نقل کرده است و گفته است صحیح است. اگر آقایان دنبال صحت روایت می گردند گرچه ما ده دوازده تا روایت هست به تعبیر خود آقای ابن تیمیه می گوید اگر چند تا روایت سه تا چهار تا روایت باشد.

یعیدوها بعضها بعضا و لو کان ناقلون فجارا فساقا.

مجموعه ی فتاوا جلد ۱۸ صفحه ی ۲۳ این را هم بار ها ما نقل کردیم. اضافه بر این که ما الان من تقریبا هشت تا نه تا روایت آورده ام که این ها خودش.

یعیدوها بعضها بعضا.

و لوو این که عاقلینش فجار باشند.

با این که عاقلین شان که همه از شخصیت های بزرگ اهل سنت است. ابن جریر طبری هم که از
اعلمای بزرگ اهل سنت است متوفی ۳۱۰ می گوید روایت صحیح است. همچنین متقی هندی توفی ۹۷۵ هم
در کنز العمال ج ۱۳ صفحه ۵۰ می گوید ابن جریر نقل کرده است و گفته است روایت صحیح است. این در
حقیقت خلاصه ای از روایاتی بود که جناب آقای محسنی در رابطه با علمیت علی از زبان رسول اکرم. حالا ان
شاء الله ما بحثی خواهیم کرد. علمیت علی از زبان صحابه علمیت علی از زبان تابعین و علمای بزرگ اهل
سنت که این ها به صراحت گفته اند علی عالم ترین صحابه بوده.

علی اعلم صحابه بوده. کسی عالم تر از علی ما سراغ نداریم. علی از هیچ کدام از صحابه یک مسئله ای
را سوال نکرد. ولی تمام صحابه در مشکلات علمی که مواجه می شدند از آقا علی بن ابی طالب سوال می
کردند.

آقای محسنی:

خیلی ممنون حاج آقا با این صحبت ها و فرمایشات حضرت عالی کذب محض بودن سخنان آقای ابن
تیمیه مشخص شد. و مشخص شد اینی که دارد ادعا می کند اگر کسی بگوید علی علیه السلام اعلم صحابه بوده
این از دروغ گو ترین و کسایبی هست که واقعا دارد بی راه حرف می زند ولی این جا مشخص شد که حاج آقا
این احادیث را فرمود مشت آقای ابن تیمیه هم باز شد و معلوم شد که ایشان واقعا همان عداوت و کدورتی که
با اهل بیت علیهم السلام دارند.

مخصوصا با حضرت امیر علیه السلام این جا مشخص شد که این روایت هایی که.

أعلمهم علما و اکبرهم علما.

این ها همه دارند می گوید که اعلم ناس اعلم صحابه اعلم از جهت علمی و همه ی مومنین این ها را که
دارد با صفت تفضیلی بیان می کند این ها همه مؤید آن حدیث.

ان مدینة العلم.

است و واقعا سپاس گذار هستیم که حالا حاج آقا این را برای ما مطرح می کند و عزیزان ما متوجه می شوند که واقعا چقدر در تاریخ دارد تحریف صورت می گیرد. واقعا حاج آقا باید برای مظلومیت حضرت امیر باید گریست. حاج آقا این احادیثی را که فرمودید آیا اعلمای اهل سنت نسبت به سند های این ها اشکالی چیزی نگرفته اند؟ نداشته اند؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

البته دوستان که دیدند از دو تا از بزرگان اهل سنت مثل سیوطی و مثل آقای متقی هندی صراحت دارند که این روایت صحیح است. ولی باز جناب آقای ذهبی می خواهد خلاصه خودش را به یک نوعی به قولی نخود این آتش بکند. عرض کردیم آقای ذهبی هر کجا می رسد سندا روایات مربوط به فضائل امیر المومنین را مقدوش می کند. یا دلالتا اگر نه اشکال دلالتی اشکال سندی پیدا نمی کند می گوید.

یشهدا القلب عنه باطل.

که میزان الاعتدال جلد ۱ صفحه ی ۸۲ که این را ما بار ها گفته ایم. و ایشان عبارتی را با این که دیده ایم نقل کرده اند دو تن از بزرگان که از ابن جریر طبری که روایت صحیح است. همین روایت را آقای ذهبی نقل می کند از حنص می گوید پیغمبر فرمود: فاطمه تو را به عقد مردی در آورده ام که بزرگ تر از همه حلمش بزرگ تر از همه و مسلمان بودنش از همه جلو تر بود و از همه علمش بالا تر است. بعد می گوید:

و روی نحوه جابر الجعفی و هو متروک عن ابن بریده عن أبیه.

خیلی عجیب است واقعا نمی دانم که آدم چه بگوید. فردای قیامت خلاصه محکمه ای که به نظریات ذهبی رسیده بشود تماشایی است واقعا تماشایی است که حتی حرف های خودش را هم قبول نمی کند یا یادش می رود عزیزان فقط من تقاضا دارم خوب دقت کنید همان طور که آقای محسنی گفت برای مظلومیت امیر المومنین باید گریست. باید گریه کرد.

خدا پیامورزد علامه ی امینی را آقا زادیشان دیروز به منزل ما آمده بود بعد از رحلت اعلامه ی امینی می گفت پدرم روی تخت بیمارستان آخرین جمله ای که من شنیدم گفت ای کاش تا آخر دنیا من عمر داشتم. خدا عمر من را طولانی می کرد من گفتم که پدر حتما تصمیم دارید الغدیر را مثلا از یازده جلد بیست سی جلد پنجاه جلد، گفت نه پسرم آرزو می کنم ای کاش تا آخر عمر خدای عالم تا آخر دنیا به من عمر می داد و می نشستم برای مظلومیت امیر المومنین گریه می کردم.

در خواب آقای محمد تقی جعفری آمده بود گفته بود آقای جعفری ما که دیگر آمده ایم به عالم برزخ کاری از ما ساخته نیست تا هستید و می توانید برای علی کار کنید این مرد خیلی مظلوم است یعنی واقعا مظلوم است حتی در عصر ما در عصر ارتباطات در عصر رسانه اوج مظلومیت امیر المومنین کاملا مشهود است شما آن حرف ابن تیمیه را دیدید سر کرده ی منافقین.

من کان امامه الشیطان.

به تعبیر حسنی دمشقی این هم عبارت آقای ذهبی شما ببینید خود آقای ذهبی و ابن حجر در رابطه با جابر جعفری این آقای نعصل الوهابینی هم که تازه از زباله دانی در آمده اند با این قیافه ی اجق و جقشان آمده است شکلک در می آورد که وقتی به جابر می گوید چنین و چنان، گر چه ما می دانیم برای این ها این حرف های ما سوره ی یاسین خواندن است دید فایده ای ندارد آن ها حرف خودشان را می زنند.

همانند کفار قریش ولی شما ببینید همین جابر بن یزید جعفری که از اصحاب بزرگوار امام باقر و امام صادق سلام الله علیه ما بوده. ابن حجر و ذهبی می گویند شعبه گفته است.

صدوق فی الحدیث.

در حدیث آدم صادق است.

فهو من أوثق الناس.

از موثق ترین مردم است. از معتمد ترین مردم است.

از این واضح تر؟ یا نه.

فهو من أصدق الناس.

از راست گو ترین انسان ها است این تعبیر تعبیر خیلی بزرگی است آن وقت آقای ذهبی این حرف

هایت یادت رفت می آید می گویند.

و هو متروک.

اگر.

أوثق الناس.

متروک است. پس آن هایی که صادق هستند ثقة هستند همه باید متروک باشند دیگر.

أوثق الناس.

متروک شد. پس تمام آن هایی که ثقة هستند همه، پس دیگر چه می ماند برای شما.

أوثق الناس را چه است؟ می گویند متروک است روایاتش را باید ترک کنیم پس آن هایی که ثقة

هستند آن ها را هم باید به طریق آن ها باید حذف بفرمایید. بعد می گویند وکیع گفته است.

ما شککتتم في شيء فلا تشكوا أن جابرا الجعفي ثقة.

به شاگردانش می گویند به اعلامی دیگر می گویند در هر چه شک کردید در این شک نکنید که جابر بن

یزید جعفی ثقة است.

شما بفرمایید آیا همچین تعبیری در باره ی بخاری دارید؟ در باره ی مسلم دارید؟ در باره ی مالک و

حتی احمد بن حنبل ابو حنیفه دارید شما همچین کتاب تعبیری را؟

ما شککتتم في شيء فلا تشكوا أن جابرا الجعفي ثقة.

صفیان ثوری به شعبه گفت:

لئن تكلمت في جابر الجعفي لأتكلمن فيك.

اگر بخواهی به جابر جعفی اهانت کنی به خودت اهانت می کنم. اگر بخواهید کوچک ترین جمله ای در مذمت جابر بن یزید جعفی بگوید بد ترش را به خودت خواهم گفت.

ببینید چه تعبیر زیبایی آقا بفرمایید این تعبیر را نسبت به کدام یک از ائمه ی اربعه شما دارید؟ نسبت به مؤلفین صحاح سته کدامش دارید همچین تعبیری را؟ ما که ندیدیم. بله ما احترام می گذاریم همه از دیدگاه ما محترم هستند ولی شمایی که می آید جابر بن یزید جعفی را شروع می کنید تخریب کردن یک سری حرف های نادرست زدن اراجیف بافتن کنار هم قرار دادن با همان دیدی که در درون زباله دانی پشت ثقیفه دیوار های خرابه ی ثقیفه ی ساعده نگاه می کنید. حالا بفرمایید این آقای ذهبی شما این جا این طور می گوید در میزان العتدال جلد ۱ صفحه ی ۳۷۹ هم این طور می گوید.

حالا شما ببینید اگر همین جابر جعفی در رابطه با ابو بکر حرفی بزند در رابطه با آقای عمر حرفی بزند در رابطه با دیگر صحابه حرفی بزند باز آن جا می آید می گوید جابر جعفی.

متروک. الا الله المشتکا.

ما در خدمت شما هستیم.

آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنیم و ممنون هستیم حضرت استاد به هر صورت این مباحث را شما مطرح می کنید قضاوت هم به عهده ی شما بینندگان عزیز است. و این را هم شاکر هستیم از خداوند عزیز که این توفیق را داد و در این برنامه ای که خدمت شما عزیزان هستیم این گونه مطالب علمی مطرح می شود و بعد از هزار و چهار صد سال و شما راحت می توانید این برنامه ها را ببینید و ارتباط با آن ها برقرار کنید. عزیزان ما دیگر حالا آن ها یی که به هر صورت اهل فضل هستند و پیگیری مطالب را می کنند. الحمد لله به این مستوای از مباحث علمی رسیده اند که بتوانند دقیق این برنامه ها را پیگیری بکنند.

من نمی دانم من ندیده ام برنامه ای را از آقایان وهابی ها بتوانند که در این سطح این برنامه ها را این طور با حقیقت و با یک عینک حقیقت بین خلاصه بتوانند این ها را برای شما مطرح بکنند ما ندیده ایم سراغ نداریم اگر شما سراغ دارید بیایید به ما نشون بدید و این هم از نشانه های عظمت و حقانیت اهل بیت علیهم السلام است که این گونه ما دقیق حضرت استاد می آیند این ها را بیان می کنند و شما عزیزان ان شا الله این ها را یاد داشت می کنید و مطالعه می کنید و پیگیری می کنید.

سپاس گذاری می کنیم فرصت کوتاهی بگیریم و ان شاء الله بگردیم در بخش پایانی خدمت شما عزیزان باشیم.

خیلی ممنون و سپاس گذاری می کنیم از شما بینندگان عزیز که تا این لحظه همراه ما بودید ان شاء الله تا پایان برنامه ما را همراهی می فرمایید ممنونیم از این انتخابتان ان شاء الله که مفید باشد برنامه و استفاده برده باشید. موضوع ما اگر بعضی از بینندگان عزیزمان تازه پای گیرنده هستند مباحث اعلییت حضرت امیر علیه السلام است که آقای ابن تیمیه این را رد کرده بود و گفته بود که هر کسی بگوید که حضرت امیر اعلم صحابه است این از دروغ گو ترین انسان ها است.

که دقیقا عین این روایت را حضرت استاد مخالف آقای ابن تیمیه از زبان پیامبر گرامی اسلام صل الله علیه و آله و سلم مطرح کردند که ما این جا مشت آقای ابن تیمیه را باز کردیم و خودشان را اکذب تاریخ دانستیم و کسی که واقعا تحریف می کند و می خواهد آن عنادش را به حضرت امیر علیه السلام به همگان نشان بدهد.

حاج آقا ما یک روایتی را می خواستیم از حضرت عالی سوال کنیم که بار ها این را هم در شبکه فرمودید در برخی از روایات آمده است که در نود در صد علم نزد حضرت امیر علیه السلام است. و ده د صد باقی مانده ام حضرت علی باز سهیم و شریک است. آیا این را می توانید با سند صحیح برای ما و برای بینندگان عزیزمان مطرح بفرمایید؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بسم الله الرحمن الرحيم.

حالا من ان شاء الله در جلسات بعدی به نظر صحابه و تابعین و علما خواهیم رسید که خود عبد الله بن عباس می گفت: علی بن ابی طالب نود در صد علم در نزد او است و در ده در صد باقی مانده با مردم سهیم است. یا عطا می گوید اصلا در اصحاب پیغمبر ما اعلم از علی نداریم این ها را ان شاء الله ما مفصل بعد ها توضیح خواهیم داد.

ولی من فقط روایتی را که. البته من در نت توانسته ام پیدا بکنم شاید دوستان بگردند بیش از این پیدا بکنند. حالا من خدمت آقای محسنی عرض می کردم. بعضی از این حضرات نعاصله یک ساعت فکر می کنند دویست ساعت برنامه می خواهند داشته باشند. یک ساعت فکر کنند من شک دارم. چن این ها در پنج ماه شش ماه پنج تا روایت نقل نمی کنند. فقط یک دو سه تا روایاتی از بحار و غیره یاد گرفته اند این ها را مرتب برای این که فتنه ایجاد کنند و اختلاف ایجاد کنند این ها را مرتب بیان می کنند.

ولی بنده همین امروز بعد از نماز صبح یک سره مشغول بودم من این برنامه ای که خدمت عزیزان تقدیم کردم که پاور پوینتتش را بنده همه را خودم درست می کنم و پاور پوینت هیچ کس را قبول ندارم. واقعا قبول ندارم چون آن چیزی که من دوست دارم ارائه بدهم هم آن پاور پوینتتش را و هم مطالب را چینش داشته باشم تا آن دقیقه ی نود که آمدم برای برنامه مشغول بودیم.

و به این شکل هم من تحدی می کنم به فضل الهی به فضل الهی عنایت حضرت ولی عصر در هیچ کتابی شما به این شکل نمی بینید از زمان مرحوم شیخ مفید تا علامه ی امینی.

قدس الله انفسهم الزکیه.

و البته این ها زحمات زیادی کشیده اند و ما داریم ریزه خوار کنار سفره ی این بزرگان هستیم و جاده را این بزرگواران برای ما فراهم کرده اند. و البته امکاناتی که ما الان در اختیار داریم علامه ی امینی، حامد حسین،

شیخ طوسی و مرحوم سید مرتضی و شیخ مفید که هیچ چي این ها هم نداشتند. بنده هم بار ها عرض کردم همین برنامه ای که بنده دارم این جا دویست و پنجاه هزار جلد کتاب در آن است. دویست و پنجاه هزار جلد کتاب آن هم با بالاترین سرعت یک روایتی را ما می خواهیم می بینیم مثلا در عرض مثلا بعضی ها را در صفر ثانیه می آورد.

بعضی ها که مثلا کلمات کلیدی اش یک مقداری عام است مثلا در عرض دو ثانیه سه ثانیه می آورد من تا به حال روایتی را سرچ نکرده ام که سی ثانیه معطل کرده باشد. با این امکانات البته.

هذا من فضل الله تبارک و تعالی.

به قول یکی از این آقایان اعازم می گفت هر چه خدای عالم به بنده اش نعمت بیش تر بدهد فردای قیامت هم خلاصه سوال شدید تر خواهد بود. حالا امیدواریم که البته ما شرمنده هستیم از امیر المومنین سلام الله علیه آن گونه ای که زببنده ی این بزرگوار است ما نمی توانیم انکار کنیم یعنی این را من دارم قسم به و الله با تمام وجود عرض می کنم با تمام تلاشی که ما داریم شبانه روز انجام می دهیم و این برنامه ها را در اختیار شما بینندگان بزرگوار شبکه ی سنی قرار می دهیم.

من بعضی وقت احساس شرمندگی می کنم که عرض می کنم که یا امیر المومنین ما شرمنده ات هستیم که از این توانایی نداریم و نمی توانیم عذر ما را بپذیر.

العذر عند کرام الناس مقبول.

در نزد بزرگواران خلاصه عذر خواهی و پوزش طلبی مقبول است.

ولی من روایتی را که البته در کتاب های متعدد آمده است. من از یکی دو سه مورد که این را من دیده ام این را به اختصار عرض می کنم اگر سوال دیگری جناب آقای محسنی دارند به آن سوال می پردازیم نشد که شنونده ی بینندگان عزیز باشیم.

سیوطی و دیگران عبد الله بن مسعود نقل می کنند البته عرض کردم از صحابه ما داریم ولی روایتی که

مستند به نبی مکرم صلی الله علیه و سلم باشد. عبد الله بن مسعود می گوید:

كنت عند النبي.

پیش پیغمبر بودم.

فسئل عن علي رضي الله عنه.

از علی سوال شد.

قال: قسمت الحكمة عشرة أجزاء.

حکمت الهی به ده قسمت تقسیم شده است.

فأطي علي تسعة أجزاء.

نه بخشش در اختیار علی قرار گرفته است.

يعني حكمت علم.

من يعطي العلم اوتي الحكمة فقد اوتي علم كثيرا.

و ما به حضرت یحیی.

آتیناه الحكم صبيين.

حالا من دیگر در رابطه با حکم نمی خواهم خیلی زیاد توضیح بدهم. می گوید نود در صد حکمت و علم

الهی در نزد علی است و ده در صد در نزد مردم است.

و الناس جزءا وحدا.

یک دهم در اختیار مردم نه دهم در اختیار علی است.

و علي أعلم بالواحد منهم.

در این یک دهم هم علی بن ابی طالب از همه عالم تر است.

از این واضح تر پیغمبر سخن بگویند؟ بی انصاف ها بی وجدان ها یا به قول معروف.

امن الانصاف یا بن الطلقا .

که شما بیاورید علی بن ابی طالب را با دیگران بخواهید مقایسه کنید؟ و الله من نمی دانم حالا ان شاء الله این اعلمیت امیر المومنین مطرح بشود آن چه که شما خودتان در صحاح تان آورده اید که از بعضی از حضرات در رابطه با تیمم سوال می کنند. تیممی که قرآن به صراحت گفته است. جواب نمی دهد آن وقت این را بیایید با علی مقایسه کنید.

حالا این دنیا خدای عالم همه را آزاد گذاشته است و.

انا هدینا سبیل اما شاکر و اما کفورا.

حالا هر راهی را انتخاب می کنید ولی این را بدانید فردای قیامت اولین محکمه محکمه ی مربوط به مظلومیت امیر المومنین سلام الله علیها است. ببینید پیغمبر به صراحت می گوید نود در صد علم دست علی است و ده در صد دست مردم است. در آن ده در صد هم علی از همه عالم تر است. این را آقای سیوطی در جامع الاحادیث جلد ۲ صفحه ۸۷ آورده است. ابو نعیم اصفهانی متوفی ۴۳۰ در حلیه الاولیاء جلد ۱ صفحه ی ۶۵ آورده است. ابن عساکر متوفی ۵۷۱ در تاریخ دمشق جلد ۴۲ صفحه ی ۳۸۴ آورده است. جناب علامه ی مناوی در فیض القدیرش جلد ۳ صفحه ی ۴۶ آورده است.

ولی بعضی ها ارادت خودشان را به امیر المومنین اثبات کردند این بخش آخرش را حذف فرمودند.

علي أعلم بالواحد منهم.

دیدند با اعتقاداتشان نمی سازد بر این که پیغمبر اکرم نستجیر بالله حتما آخر عمر بوده و نستجیر بالله

هزیان می فرمودند. گفتند:

علي أعلم بالواحد منهم.

حالا ان شاء الله این ها هم در محکمه ی عدل الهی باید جواب بدهند ولی بعضی از افرادی مثل سیوطی و دیگرانی که حریت داشتند.

علي أعلم بالواحد منهم.

هم آورده اند. ما در خدمت شما هستیم.

آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنیم. حاج آقا تقریباً پنج دقیقه چهار دقیقه به پایان وقتمان است من این سوال را می پرسم اگر می توانید حقشان اداء می شود و این سوال پاسخ داده می شود در این فرصت کوتاه که در خدمت تان هستیم و اگر نیست موکول بشود به جلسه ی بعد ان شاء الله. پیرامون همین صحبت حضرت عالی آیا از صحابه کسی تصریح به اعلمیت حضرت امیر علیه السلام کرده است یا نه؟ اگر حاج آقا در این سه چهار دقیقه می شود بیان بفرمایید؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

حالا من یک تکه اش را مطرح می کنم اگر دوستان مانیتور من را نشان بدهند خیلی سریع فهرستوار می گویم ولی ان شاء الله در جلسه ی بعد شاید همین ها را ما تکرار کنیم اگر بتوانیم برسیم به آخرش می رسیم. ببینید اولین عبارت را جناب بخاری نقل می کند در تاریخ کبیرش از عطاء که از تابعین و از فقهای بزرگ اهل سنت است از عایشه همسر پیغمبر ام المومنین که می گوید عایشه گفت:

علي أعلم الناس بالسنة.

علی عالم ترین انسان ها به سنت پیغمبر است.

تاریخ کبیر جلد ۲ صفحه ی ۲۵۶ ابن عساکر هم در تاریخ دمشق جلد ۴۲ صفحه ی ۴۰۸ این دیگر

حرف عایشه است. اگر این آقایان ابن تیمیه اشکالی دارد از این

نعصل الوهابيين.

اشکالی دارد بیاید به بخاری ایراد بگیرد به عایشه ام المومنین ایراد بگیرد. در روایت دیگری که ابن

عساکر نقل می کند که عایشه می گوید:

قالت علي بن أبي طالب أعلمكم بالسنة.

خطاب به صحابه گفت: عالم ترین شما به سنت علی بن ابی طالب است.

باز سیوطی نقل می کند می گوید سیوطی متوفی ۹۱۱ تاریخ الخلفا می گوید روایت از عایشه نقل شده

است.

أن عليا ذكر عندها.

علی بن ابی طالب را پیش عایشه نامش را برده اند.

فقالت أما إنه أعلم من بقي بالسنة.

علی بن ابی طالب عالم ترین کسانی است که خلاصه بعد از نبی مکرم باقی مانده نسبت به سنت.

همین تعبیر را جناب آقای ابن حجر هیثمی متوفی ۹۷۳ که البته من معتقد هستم ۹۷۴ است در کتاب

الصواعق المحرقة ایشان مطرح می کند.

من فقط یک نکته را اشاره کنم در این جا که معنای.

أعلم الناس بالسنة.

یعنی چه؟ آقای بربهاری صلفی ضد اهل بیت یعنی کسی که اولین بار فتوا داد هر کس برای امام

حسین روضه خوانی کند قتلش واجب است. اولین بار بربهاری متوفی ۳۲۹ آورده است. ایشان می آید سنت را

معنا می کند.

السنة هي الإسلام و الإسلام هو السنة.

سنت یعنی اسلام اسلام یعنی سنت.

عایشه وقتی می گوید:

أعلم الناس بالسنة على.

یعنی از عالم ترین انسان ها به اسلام علی بن ابی طالب است.

ابن حزم اندولسی می فرمایند:

السنة هي الشريعة نفسها.

اصلا سنت یعنی شریعت.

أعلم الناس بالسنة.

یعنی عالم ترین انسان ها به شریعت.

سمعانی می گوید:

السنة هي الطريقة المتبعة في الخير و الشر.

بالا تر از آن ها می گوید اصلا سنت یعنی همان صراط مستقیم.

که ما هر روز می گویم.

اهدنا الصراط المستقیم.

همان صراط مستقیم و آن طریقتی است که همه ی ما باید در کار خیر و شر از او تبعیت کنیم. که آن

سنت خیر را انجام دهیم از سنت شر اجتناب کنیم. من دیگر خلاصه تر از این نمی توانستم عرض کنم.

آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنیم و از فرمایشات حضرت عالی که انصافا زیبا و دسته بندی شده بود و استفاده

کردیم ممنون و سپاس گذار هستیم. فرصتمان تمام شد بینندگان عزیز و این بخش که بخش پایانی برنامه

یمان است و حدودا تقریبا یک یک ساعتی هم ان شاء الله طول خواهد کشید ما در خدمت شما عزیزان هستیم.

ما فرصت کوتاهی می گیریم و بر می گردیم ان شاء الله صدای گرم شما عزیزان را می شنویم.

یا علی نام تو بردم نه غمی ماند و نه همی بابی انت و امی گویا نه هیچ نه غمی به دلم بود و نه همی بابی انت و امی. یاد واقعا شاعر بزرگ شهریار رحمت الله علیه را باید گرامی داشت. این کلیپی که پخش شد و ذکر حضرت امیر را خلاصه این جا هم یک فضای معنوی شده بود. هم حاج آقای ما هم وصل شده بودند و خلاصه هم کارگردان و ما همه و باید نام حضرت نام حضرت امیر را برد. عایشه ام المومنین حدیث زیبایی را دارد می گوید:

ذکر علی العباد.

واقعا عبادتی بود که الان ما صدای امیر المومنین را می شنیدیم و ذکر ایشان می شد و همه ی عالم و این تلویزیون دارد پخش می شود و همه با ما هم ذکر بودند و ممنون و سپاس گذار هستیم و از خداوند که این توفیق را به ما داد و از شما بینندگان عزیز که تا این لحظه همراه ما هستید.

جناب آقای آقا هادی از یزد اولین بیننده ی ما هستند روی خط می آیند سلام و عرض ادب دارم خدمت شما.

بیننده:

الو سلام علیکم.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

بیننده:

سلام عرض احترام دارم خدمت حضرت عالی و حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی.

آقای محسنی:

سلامت باشید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

خواهش می کنم.

بیننده:

جناب آقای محسنی من یک سوال داشتم یک روایتی است که در مفصله ی حضرت ولی عصر هم آمده است در رابطه با توسل رسول الله به خودش به توسل رسول الله به رسول الله در کتاب سنن ابو داود صفحه ی ۷۳۰ حدیث ۴۰، ۸۴ از جناب استاد تقاضا دارم بفرمایند آیا این حدیث صحیح است؟ متن این حدیث هم صحیح است؟

آقای محسنی:

بله سوال خوبی است چشم.

بیننده:

یکی این هم که در رابطه با این آقای هاشمی مجری شبکه ی کلمه که چند روز پیش یک برنامه ای را داشت بعد از پیامبر، دکتر ابو القاسمی هم آمد روی خطشان و جواب شان را داد که بعد از پیامبر خداوند گفته است که دیگر هیچ حجتی نمی آید. حالا من چند دفعه زنگ زدم از شبکه ی کلمه سوال کردم جواب ندادند. آیا خلفایی که حجت از طرف خدا نبودند و حجت مردم بودند بر مردم آیا حق داشتند در دین خدا بدعت وارد بکنند؟

دین مال خدا بوده آن ها هم می گویند خلفا یعنی از طرف خدا معین نمی شوند از طرف مردم معین می شوند آیا این خلفا حق داشتند در دین خدا بدعت وارد بکنند؟ آقای کیانی مجری شبکه ی کلمه گفت که این دروغ هایی است که شیعیان در آورده اند از نهج البلاغه من گفتم آقا عبد الرحمن عوف که وقتی می خواست با حضرت علی در مورد خلافت صحبت کند گفت که حضرت علی علیه السلام در رابطه با سیره ی شیخین قبول نکردند. فرمودند سیره ی شیخین با سیره ی رسول الله فرق می کند.

متأسفانه این آقایان مغلطه می فرمایند می خواستم جناب استاد اگر صلاح می دانند برای بینندگان عزیز توضیح بدهند برای بنده هم توضیح بدهند.

آقای محسنی:

خیلی ممنونیم چشم.

بیننده:

تشکر می کنم.

آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنیم خدا نگه دار شما عزیزمان باشد. جناب آقای پیام از کنگاور اگر صدای بنده را دارید. سلام و عرض ادب داریم خدمتتان.

بیننده:

الو سلام علیکم.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

بیننده:

بنده عرض سلام و خسته نباشید دارم خدمت شما برادر عزیز و هم چنین حضرت آیت الله قزوینی.

آقای محسنی:

سلامت باشید درود بر شما.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

خواهش می کنم.

آقای محسنی:

در خدمتتان هستیم آقا پیام.

بیننده:

عرض کنم خدمت حضرت آیت الله قزوینی که بنده خیلی خیلی التماس دعا دارم نسبت به ایشان از ایشان خواهش می کنم که امشب ان شاء الله ما را در نماز شب شان دعا کنند. بنده خودم مقید هستم حضرت آیت الله قزوینی و کار شناس های شبکه ولایت را اگر خدا توفیق بدهد نماز شب هایم دعا کنم. حالا از حضرت آیت الله قزوینی خواهش می کنم که در نماز شب شان برای ما دعا کنند.

آقای محسنی:

ان شاء الله.

بیننده:

آقای محسنی.

آقای محسنی:

جانم.

بیننده:

چند شب پیش آقای حیدری در مورد روایت غدیر سوالی مطرح کرده بودند در مورد روایت غدیر که شش صد میلیون هم جایزه گذاشته بودند و خواستند که استجاج حضرت علی را نسبت به حدیث غدیر را می خواستند که شش صد میلیون هم جایزه قرار دادند که برادر عزیز ما آقای شریفی آمدند. قطع کردند دو بار بنده هم وصل شدم هم چنین تلفن ما را قطع کردند خواستم اگر شما اجازه بدهید این روایت را سریع برای آقای حیدری بیان کنم.

آن شش صد میلیون هم بگذارند جیبشان پولشان نجس است یقینا اگر اجازه بدهید من سریع بخوانم. آقای احمد بن حنبل در مسندش در روایت صحیح هم در جلد ۴ صفحه ی ۲۷۰ روایتی نقل کرده است که حضر امیر مردم را در یک جایی از مردم خواست که البته من روایت را بخوانم که حضرت علی علیه السلام مردم را گرد آوری فرمود و سوگند می دهم هر مردمی که حدیث غدیر را به خاطر دارند یا سخنی را در آن مورد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده اند از جا برخیزند. سی تن از مردم برای اقامه ی شهادت به پا خواستند.

این روایت در جلد ۴ صفحه ی ۲۷۰ مسند احمد آورده است آقای هیثمی هم این روایت را نقل کرده است گفته است که.

روا احمد و رجاله رجال الصحیح رسم خلیفة و هو ثقة.

که آقای هیثمی در مجمع الزوائد در جلد ۹ صفحه ی ۱۰۴ این روایت صحیح را فرمودند.

آقای محسنی:

البته حضرت استاد هم این را بارها فرموده اند جناب آقا پیام.

بیننده:

آقای ابو بکر بزار هم همچین روایتی را آورده است که سیزده نفر جمع شدند شهادت دادند دو باره آقای

هیثمی می گوید.

روا البزار رجاله رجاله صحیح رسم خلیفه و هو ثقه.

این هم در جلد ۹ صفحه ی ۱۰۵ آورده اند آقای هیثمی. آقای حیدری که.

آقای محسنی:

بله شما درست فرمودید. سپاس گذاری می کنیم و این را هم این روایت ها را حضرت استاد در برنامه

های مختلف فرموده اند و خدا را هم شاکریم که بیننده ها ما خصوصا حضرت عالی این طور راحت این ها را می

آورند و مطرح می کنند و این طور عالمانه صحبت می کنید و سپاس گذاری می کنیم از شما ولی این ها فایده

ندارد برای این آقایان این ها به قول حاج آقا دیگر آن سوره است برای آقایان می خواهید بخوانید.

ولی بینندگان عزیزمان که حالا ارتباط برقرار می کنند با این مباحث الحمد لله آن ها گیرنده ی این

مباحث هستند که خواهند شنید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

اگر دوستان مانیتور من را یک لحظه محبت کنند. البته این را ما بارها هم گفته ایم که ایشان که الان

نقل کردند از مسند احمد بن حنبل که جلد ۴ صفحه ی ۳۷۰ به صراحت این قضایا را مطرح می کند که دارد سی

نفر ابو نعیم می گوید جمعیت زیادی بر خواستند بحث غدیر را شهادت دادند. و اگر واقعا هیثمی و البانی هم می گوید این روایت صحیح است در صله الحدیث الصحیحه جلد ۴ صفحه ی ۳۳۱ می گوید:

و إسناده صحیح علی شرط البخاری.

و هم چنین ابن حجر مکی هم در صواعق المحرقه ملا علی قاری، زرقانی مالکی این ها همه آورده اند. اگر واقعا حدیث غدیر دلالت بر ولایت امیر المومنین و خلافتش نمی کرد این مناشله و امثال این چه معنا دارد و این که امیر المومنین نفرین کند تعدادی از صحابه به نفرین علی گرفتار بشوند این ها کاملا واضح و روشن است. و اضافه بر این که این را دوستانمان هم بار ها آورده اند در معجم الکبیر جناب طبرانی، طبرانی متوفی ۳۶۰ است یعنی در حقیقت نزدیک چهار سال قبل از ابن تیمیه بوده که در زمان پیغمبر اکرم علی ابن ابی طالب می گوید: به خدا سوگند.

إنی لأخوه و ولیه امه و وارثه فمن احق به منی.

چه کسی سزاوار تر است به خلافت به پیغمبر بعد از من.

أخوه و ولیه.

این ولی در این جا به چه معنا است؟ همان روایت ولی که در حدیث ۴۴، ۶۸ کتاب صحیح مسلم آمده است و هیثمی هم می گوید رجالش رجال صحیح است. جلد ۹ مجمع الزوائد صفحه ی ۱۳۴ آقایان ببینند و اضافه در کتاب شریف کافی با سند صحیح در جلد ۸ کافی صفحه ی ۳، ۴، ۳، در آن جا به صراحت امیر المومنین به دنبال رحلت نبی مکرم و به دنبال قضیه ی ثقیفه امیر المومنین آن جا به صراحتا می گوید پیغمبر اکرم در غدیر خم مرا برای خلافت و امامت نسب کرد.

آیا از این واضح تر دیگر؟ امیر المومنین استدلال بکند؟ حالا برای ان آقایان عرض کردیم خیلی زیاد این مباحث اصلا به قولی حرف خودشان را می زنند. اگر چنان چه برای این که پیغمبر اکرم هم از قبر زنده

بشود و بیايد بگويد حق با علي ابن ابي طالب است قطعا ما يقين داريم كه اين ها به هيچ وجهي زير بار نخواهند رفت.

آقاي محسني:

خيلي ممنون جناب آقا پيام اگر سوالي نداريد با شما خدا حافظي مي كنيم.

بيننده:

خواهش مي كنم خيلي ممنون.

آقاي محسني:

خدا نكه دارتان سپاس گذاري مي كنيم. جناب آقاي نارويي از چابهار اولين برادران اهل سنت هستند كه روي خط مي آيند. سلام و عرض ادب داريم خدمت شما.

بيننده:

سلام خدمت مجري محترم استاد محسني و استاد محترم استاد قزويني.

آقاي محسني:

سلامت باشيد در خدمت هستيم.

آقاي آيت الله حسيني قزويني:

سلام عليكم و رحمت الله.

بیننده:

استاد سه تا سوال داشتم یکی در باره ی جابر جعفی، یکی در مورد توسل یکی هم در باره ی حدیث

صحیح مسلم

کاذبا عاصما قادرا خائنا.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بفرمایید عزیزم چشم.

بیننده:

من در کافی نگاه کردم یک جایی در باره ی جابر جعفی حالا کتابش یادم نمی آید این بود.

الجابر الجعفی من المتحنین عند اکثر مولسین کرجال.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

این را که گفته است؟

آقای محسنی:

این را چه کسی گفته است؟

بیننده:

این را فکر کنم نسائی در میزان الاعتدال، هیثمی در مجموع الزوائد.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

نسائی در کجا؟

بیننده:

نسائی در ذهبی از قول نسائی در میزان الاعتدال.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

من که عبارت را آورده ام در میزان الاعتدال برادر بزگوار.

بیننده:

نه ایشان آورده است که.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

این که دیگر.

بیننده:

هیثمی هم در مجموع الزوائد هم آورده است. بعد جابر جعفی در صفحه ی ۱۹۸ کتاب رجال کشی زراره از قول امام صادق از قول پدر مبارکشان گفته است که جابر جعفی هفتاد هزار روایت از پدرم نقل کرد در صورتی که یک روز در منزل حضرت امام موسی کاظم نبودند.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

چه؟ دو باره بفرمایید.

آقای محسنی:

صدایتان خیلی بد است مشخص نیست واضح نیست برایمان یک مقدار واضح تر.

بیننده:

جابر جعفی در صفحه ی ۱۹۸ رجال کشی.

آقای محسنی:

بله.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

رجال کشی.

آقای محسنی:

حال ما نفهمیدیم کشی درست است یا کشی درست است؟

بیننده:

هر چه شما می گوئید درست است آقای کشی.

آقای محسنی:

بله.

بیننده:

شما استاد هستید ببخشید. بعد در صفحه ی ۱۹۸ رجال کشی آمده است از قول زراره که ایشان گفته

اند که امام صادق از قول پدرشان گفته است که جابر جعفی هفتاد هزار حدیث از پدر نقل کرده است در صورتی

که یک روز در منزل پدر نبوده. از قول جعفی گفته است.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بله.

بیننده:

ایشان چطور یک روز هم در منزل ایشان نبوده هفتاد هزار حدیث نقل کرده است؟

آقای محسنی:

آدرس این ها را می توانید بگویید؟

بیننده:

آدرسش عربی نه فارسی خوانده ام.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

فارسی ها این ها سنار نمی ارزد چون این ها می آیند تحریف می کنند برادر بزرگوارم اضافه رجال کشی سند دارد. اگر هر عبارتی در رجال کشی بیاید سندش طبق معیار های رجالی شیعه درست باشد ما می پذیریم برادر عزیزم اگر درست نباشد ما نمی پذیریم و این عبارتی که شما آورده اید عبارت امام نیست یعنی امام آمده است گفته است که یک تو با پدرت نبودی.

این همه روایت از امام باقر دارد در کتاب کافی در تهذیب، من لا یحضر و غیره این ها اگر واقعا درک نکردند روایت ها چه است؟ بزرگان ما نقل کرده اند از جابر ابن یزید جعفری. این ها ببینید ما تقاضایمان از شما بزرگواران این است. حالا اگر چنان چه شما خودتان با توجه به مبنایی که دارید.

آقای محسنی:

من پیشنهاد می کنم آقای نارویی حاج آقا اگر بتوانند همین عبارت فارسی را که در کتاب پیدا کرده اید متن عربی را در خود رجال پیدا بکنید بیاورید مثلا جلسه ی بعد مطرح بکنند.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

این را ما جواب داده ایم سال اول که ما این را مفصل جواب داده ایم ما این حضرات دارند نقل می کنند این ها به هیچ وجهی به قول ایشان که می گوید من فارسی دیده ام این ها به هیچ وجهی حرف هایشان سر سوزن سند ندارد عزیز من حالا ان شاء الله اگر لازم بشود در رابطه با جابر جعفری از دیدگاه شیعه من مفصل صحبت می کنم.

بین عزیز دل من الان دوستان مانیتور من را محبت کنند. الان این میزان الاعتدال آقا ذهبی است جلد اول صفحه ی ۳۷۹ جابر بن یزید جعفری سنن ابو داود دارد سنن ترمذی دارد سنن ابن ماجه هم دارد. احد اعلامی شیعه هم است. ببینید این ها.

سفیان ثوری کان جابر الجعفی ورعا فی الحدیث، ما رأیت أروع منه فی الحدیث.

شعبه می گوید:

صدوق.

یحیی بن ابی بکر می گوید:

کان جابر إذا أخبر.

آقای محسنی:

شما این طور می خوانید می گوید خیال می کنید همه ی مردم عربی هم بلد هستند این طور می خوانید حاج آقا.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بله جابر در حدیث آدم با ورع و با تقوا بوده و با تقوا تر از جابر ندیده ام این را سفیان ثوری دارد نقل می

کند شعبه می گوید:

صدوق.

است. باز شعبه می گوید از.

أوثق الناس.

موثق ترین انسان ها است.

وکیع می گوید:

ما شککنتم فی شیء فلا تشکوا أن جابرا الجعفی ثقة.

هر چه شک کردید شک نکنید که جابر ثقة است.

از امام شافعی نقل می کنند سفیان ثوری به شعبه گفت اگر نسبت به جابر بخواهید جسارت کنید به

خودت جسارت می کنم. این مطالب هست شما ببینید این تعبیری که ایشان آورده اند آیا این تعبیر در میان

بزرگان اهل سنت همچین تعبیری است یا نه؟

در کنار این وقتی می آید به این شکل دارد نقل می کند. نمی دانم پنجاه هزار روایت و غیره دارد. امثال

این مباحث را که دارند مطرح می کنند بله یک سری هم افرادی آمده اند تضعیف کرده اند. ولی ما کاری به

تضعیف ها نداریم. عبارتی که وکیع می گوید:

فلا تشکوا أن جابرا الجعفی ثقة.

شک نکن که ثقة است.

یا سفیان می گوید: اگر چنان چه در مذمت جابر یک حرفی بزنید در مذمت خودت حرف می زنم. این

عبارت جناب سفیان ثوری دلالت می کند تمام حرف هایی که در مذمت او آورده اند همه اش کشک است.

آقای محسنی:

بله. آقای نارویی سوال دیگری هم دارید؟

بیننده:

من یک سوال در باره ی توسل هم داشتم.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بفرمایید عزیزم.

آقای محسنی:

بله در خدمت هستیم.

بیننده:

از نظر اعلامی اهل تشیع آیا توکل واجب است یا نه؟ مستحب است؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

نه توسل واجب نیست هیچ کس نگفته است توسل واجب است.

بیننده:

بله مستحب است درست است استاد؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بله مستحب است. توسل هم همان طور که قرآن دارد هم توسل به اعمال صالحه می شود کرد.

ربنا آمنة اننا سمعنا ناديه المناديه للايمان في آمنة ف قفرلنا ذنوبنا.

توسل به ائمه عليهم السلام توسل به اسماء حسناى الهى.

و لله الاسماء الحسننا فدعوه بها.

توسل به انبياءى گرامى مثل آيه ى ٦٤ سوره ى نساء.

ظلموا أنفسهم جآءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول.

توسل به حضرت يعقوب مثل ٩٧ سوره ى يوسف و امثال اين برادر عزيزم.

آقاى محسنى:

بله.

آقاى آيت الله حسينى قزوينى:

حالا شما بفرماييد.

بيننده:

بله در قرآن هم من هر چه گشتم فقط مثلا زمانى كه فرزندان حضرت يعقوب آمدند توسل صحيح

است. درست گفتم؟ توسلى خرافى است. فرزندان حضرت يعقوب آمدند پيش ايشان خواستند كه.

آقاى محسنى:

بله. استغفر الله.

بيننده:

بله يعنى توسل به اموات باشد من ندیده ام حقيقتش جايى كه توسل از اموات يا كسانى كه از دنيا رفته

اند توسل بكنيد ندیده ام.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

ببینید برادر بزرگوارم این دیگر حداقل شما اعلامی بزرگی که دارید اعلامی بزرگ اهل سنت آیه ی ۶۴

سوره ی سوره ی نساء که می گوید:

و لوأنهم إذ ظلموا أنفسهم جآءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما.

همه ی بزرگان شما گفته اند بر این که مراد از این آیه هم زمان حیات پیغمبر را شامل می شود هم

زمان بعد از رحلت پیغمبر را شامل می شود..

بیننده:

نه استاد خود پیامبر گفته است که جایی بیایید به من توکل کنید؟ بعد از وفات بنده.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بله؟

بیننده:

نه خود پیامبر گفته اند که بعد از این که من از این دنیا رفتم به من توکل کنید؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

ببینید وقتی پیغمبر اکرم می آید به آن ضریر کسی که نابینا است می گوید آقا شما مشکلی دارید برو

یک توسلی در مسجد یک دو رکعت نماز بخوان و به من متوسل بشو. می رود متوسل می شود چشم هایش

خوب می شود. و بعد عثمان بن حنیف صحابه ی پیغمبر می گوید پیغمبر که گفته است به من توسل کن نگفته

است که در حال حیات به من توسل کن که؟ این آیات و روایاتی که داریم مقید به زمان حیات است مگر؟

اگر پیغمبر می گوید نماز بخوانید نماز خواندن فقط در زمان حیات پیغمبر ما باید نماز بخوانیم؟ این سخنان پیغمبر که می گوید شریعت برادر عزیزم چه پیغمبر در قید حیات باشد با در قید حیات نباشد. دوستان مانیتور من را محبت کنند. ببینید برادر بزگوایم این امام سبکی که سیوطی می گوید امام عصر خودش بوده، ابن کثیر می گوید امام و علامه بوده، می گوید آیه ی ۶۴ سوره ی نساء.

دلت الآیة علی الحث علی المجيء إلی الرسول صلی الله علیه و سلم.

و می گوید اگر چه این در حال حیات پیغمبر این آیه نازل شده است. ولی با رحلت پیغمبر این مقام یعنی مقام توسل به پیغمبر از بین نمی رود همان طور که پیغمبر می گوید نماز بخوانید نماز خواندن که منحصر به زمان حیات پیغمبر نیست.

خدای عالم در قرآن می گوید هر کس مشکلی گناهی دارد پیش پیغمبر واسطه بشود به پیغمبر متوسل بشود خدا گناه او را می بخشد. امام سبکی می گوید این آیه در زمان حیات پیغمبر نازل شده است ولی شامل بعد از زمان رحلت پیغمبر هم می شود.

باز آقای سمهودی، سمهودی که ابن عماد حنبلی دارد.

الإمام القدوة الحجة المفنن.

ایشان هم می گوید.

العلما.

یعنی اعلمای اهل سنت.

فهموا من هذه الآیة.

همین آیه ی ۶۴ سوره ی نساء.

و لوأنهم إذ ظلموا أنفسهم جآءوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما.

فهمیده اند از این آیه هم زمان حیات پیغمبر هم بعد از رحلت پیغمبر.

و استحبوا.

گفته اند مستحب است.

هر کس کنار قبل پیغمبر بیاید این آیه را بخواند. آیا از این بهتر برادر بزرگوارم؟ یا باز هم بگویم من؟

بیننده:

الان در بعضی از این ادیان ما دیده ایم مثلا مسیحیت کسانی بودند که مثلا سرطان داشته اند شفا پیدا کرده اند. یا کسانی بودند که سی روز بیست روز زیر آوار بوده اند بیرون آمده اند. مثلا این جا ما می گوئیم از سرطان شفا پیدا کرده اند مثل آقای چندانی آمده اند سرطان داشتند شفا پیدا کرده اند. الان قهرمان دوچرخه سواری جهان است. سرطان خون شدید ایشان داشتند.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

آقای نارویی بزرگوار ما که آن ها را ندیده ایم مستندش هم که ندیدیم ما ملاحظه می فرمایید یا نه؟ ولی ما در رابطه با امام رضا در رابطه با مسجد جمکران آن ها می که رفته اند شفا گرفته اند خودشان آمده اند پرونده ی پزشکی شان را هم آورده اند همین آقای سعید چندانی در جمکران متوسل شده است. پرونده ی قبل از شفا گرفتنش را هم آورده اند این جا نشان داده اند پزشک ها را ما فیلمش را نشان دادیم.

پزشک ها هم قبل از شفا هم بعد از شفا را آمده اند به ما نشان داده اند. حالا نسبت به مسیحی حضرت مسیح متوسل می شوند دیگران اگر آن ها هم آمده اند یک همچین مستندی برای ما نشان دادند آن وقت چشم می بینیم می گوئیم اصلا آیا آن کسی که متوسل شده بود البته این را هم در نظر داشته باشید. عرض کردم مادامی که مستند برای ما نیاورند حرف خیلی زیاد است.

ما ببینید در کتاب هایمان در رابطه با توسل و غیره شفا گرفته اند حرف زیاد است. ولی ما این جا آمده ایم از اعلامی اهل سنت که گفته اند ما متوسل شدیم و شفا گرفته ایم. آوردیم ذهبی اصلا یک بابی را در سیره

اعلام النبلاء اش آورده است نسبت به کسانی که متوسل شده اند و شفا گرفته اند. ما هم نسبت به امام رضا سلام الله علیها یا نسبت به ائمه ی دیگر خیلی ها هستند در طول سال حرم امام رضا شفا پیدا می کنند. ولی بنده مادامی که پرونده اش را نبینیم گواهی پزشکان را نداشته باشیم افرادی که قبل از شفا گرفتن این بابا را ندیده باشند ما در شبکه ی ولایت این ها را آقای نارویی عزیز پخش نمی کنیم.

آقای محسنی:

ممنونیم آقای نارویی ما تقریبا پانزده دقیقه هست با شما داریم صحبت می کنیم دیگر اعتراض بقیه ی دوستان هم به ما هست مخصوصا به ما که می گویند شما به اهل سنت بیش تر فرصت می دهید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

ببینید شما حالا قانع شدید آقای نارویی عزیز یا نه قانع نشدید؟

آقای محسنی:

ممنون هستیم. سپاس گذاری می کنیم از جناب آقای نارویی که حالا بعضی موقع ها هم روی خط می آیند و سوالات خوب و منطقی مطرح می کنند تشکر می کنیم.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

واقعا ما تشکر می کنیم از ایشان بله.

آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنیم از ایشان و خیلی هم دوست داریم ایشان بیایند و مباحث را علمی مطرح می کنند و می خواهند پاسخ علمی هم بشنوند. جناب آقای ابطحی از اهواز اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمتتان.

بیننده:

بسم الله الرحمن الرحيم.

السلام عليك يا امير المومنين.

سلام دارد خدمت شما آقای آیت الله قزوینی و همچنین مجری گرامی جناب آقای محسنی عزیز.

آقای محسنی:

سلامت باشید در خدمتتان هستیم.

بیننده:

حاج آقای محسنی حقیقتش ما خدا را شکر می کنیم که شبکه ی ولایت را خدا با ما آشنا کرد و این

آشنایی با خیر و برکات زیادی برای من و خانواده ام شده است.

آقای محسنی:

الحمد لله.

بیننده:

حقیقتش اگر بگویم من خودم هم عنایت حضرت علی را خیلی داریم چند وقت است که دیده ام.

عنایت اولی این است که واقعا تاثیر در اخلاق و رفتار خود من گذاشته است با برنامه ی شما آشنا شدم یک

مطلب، مطلب دومش هم این است که الان می توانم با دلیل و استدلال هم با قرآن هم از سنت هم اثبات

حقانیت اهل بیت و امیر المومنین را به راحتی و بچه های من هم با خود من می نشینند پای این برنامه هر چند

مسئله ای که جناب استاد می گویند تمام می نویسند و آن ها هم دارند سه تا فرزند من هم در این راه خیلی

وارد شده اند.

آقای محسنی:

الحمد لله. این گفته تنها شما آقای ابطحی نیست. ما بیشتر بینندگانمان حالا با ما ارتباط می کنند و تلفنی یا بیرون زیارتشان می کنیم همین گفته ی حضرت عالی را صد در صد تأیید می کنند.

بیننده:

بله. و این که واقعا به شیعه بودنم افتخار می کنم که شیعه هستم و شیعه ی استدلالی شده ام بعد این را هم بدون اغراق می گویم جناب آقای دکتر قزوینی خودم جانم ثروتم تمام چیزی که ندارم من که یک کارگر هستم و به قول معروف یک آپارتمان دارم همه ی این ها در خدمت شما می دانم اگر در راه امیر المومنین باشد. خدمت شما عرضه می دارم اگر کمکی بتوانم من دریغ ندارم.

اما مسئله ی دومی که می خواستم بگویم آقای که الان داشتند صحبت می کردند اگر به قرآن مراجعه بکنند در سوره ی یوسف، حضرت یوسف وقتی پیراهنش را می دهد به برادرانش که چشمان پدرش به قولی شفا پیدا بکند آیا جسم مطهر پیامبر ما، پیامبر خاتم الانبیا و همه ی پیامبران و جنازه یشان هم سالم است و در آن جا هست کمتر از پیراهن است؟

این را خودشان استدلال بکنند متوجه می شوند. چون من این را به یک وهابی گفتم هیچ استدلالی نداشت. که بگویند شیعه جنازه ی پیغمبر آیا از یک پیراهن کمتر است؟ این یک مطلب بود و یک مطلب دیگر هم جناب آقای محسنی، آقای سجودی خیلی دیگر وقاحت بسیار به حد اعلا رسانده است. چند وقت پیش داشت یک مطلبی را در باره ی حضرت امام حسین که دنیا و آخرت ما شیعیان است یعنی حقیقتش هر کاری می توانیم با اسم یا حسین انجام بدهیم. خیلی وقیحانه افطرا های بدی زد خیلی من نمی دانم چطوری اسم خودش را انسان گذاشته است. می گوید اصلا علی اصغری وجود نداشته آن بچه اصلا کشته نبوده مادرش شیر می داده.

یعنی بچه های من داشتند گوش می کردند می گفتند چرا این شبکه را گرفته اید؟ بعدش هم بچه های من قشنگ جواب می دهند گفتند وقتی کسی نتواند شیر بخورد می تواند به بچه شیر بدهد؟ یکی می گوید بچه ام تکان خورد از ترس دیگر نمی توانم شیر بدهم آن مادری که نمی تواند شیر بدهد. من مانده ام شما چه استدلالی می کنید. یا این که حرف وقیحانه ای هم که زد که گفت اگر انسان در محضر قرار بگیرد در قرار اجبار قرار بگیرد حتی می تواند از، عذر می خواهم این حرف را می زنم که می تواند از بول خودش استفاده بکند. یعنی چه این وقیحانه داشت جسارت می کرد.

اگر اجازه بدهید حقیقتش فرزندم می خواهد یک مطلبی را به شما بگوید یک عرض ادبی به شما بکند اگر اجازه بدهید.

آقای محسنی:

ما در خدمتشان هستیم فقط کوتاه در خدمتشان هستیم.

بیننده:

با سلام خدمت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و مجری گرامی من فاطمه ابطحی هستم از اهواز.

آقای محسنی:

احسنت.

بیننده:

من از برنامه های خوب شما تشکر می کنم.

آقای محسنی:

ما شاء الله.

بیننده:

تشکر می کنم.

آقای محسنی:

خدا نگه دارتان باشد.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

خیلی مچکر عزیزم خدا جزای خیرت بدهد.

آقای محسنی:

از بزرگان اسلام باشید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

خدا ان شاء الله شما را از یاران حضرت ولی عصر ارواحنا فداه قرار بدهد ان شاء الله.

آقای محسنی:

خیلی ممنونیم. جناب آقای ابطحی اگر سوالی و صحبتی ندارید با شما خدا حافظی می کنیم.

بیننده:

به ما آموزش می دهید که در آینده بتوانیم به امیر المومنین کمک کنیم.

آقای محسنی:

ان شاء الله آفرین بر شما.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

ان شاء الله.

آقای محسنی:

شیعیان امیر المومنین علیه السلام باشید. خدا نگه دار شما باشد خدا حافظی کردند ممنونیم جناب آقای ابطحی و از فرزندان بزرگوار شما که حالا پیگیری می کنند این مباحث ما را و همه ی عزیزان کوچک و خرد سال و کم سن و سالی که به قول حاج آقا آن دختر نه ساله که این طور می آیند و یک عزیزی از لرستان که خیلی سن کمی هم داشت آن هم الحمد لله خیلی قشنگ صحبت می کرد. ما ممنون هستیم. جناب آقای عزیزی از میانه اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب داریم.

بیننده:

الو.

آقای محسنی:

سلام عرض می کنم جناب آقای عزیزی.

بیننده:

سلام علیکم. عرض سلام دارم خدمت شما و استاد گرامی.

آقای محسنی:

سلامت باشید. در خدمتتان هستیم.

بیننده:

یک سوالی که ما داشتیم چند وقت پیش شبکه ی وصال یک چیزی را طرح کرد در مورد مسئله ی غدیر که اگر خیلی مسئله ی مهمی بود. چرا پیغمبر در همان مکه نگفتند؟ مثلاً مسلمان ها در دشت یمن یا جا های دیگر می گفتند یک اختلافی بوده حضرت علی با مردم که پیغمبر گفته حق با علی است. در این مورد می خواستم توضیح بدهید.

آقای محسنی:

بله.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

چشم ان شاء الله ما در برنامه های نزدیک غدیر این را ما بار ها توضیح داده ایم برادر عزیزم که اصلاً این ها همه دروغ بافی هایی است که توسط مثل ابن کثیر دمشقی آمده است. فقط یک جواب ساده ی ساده، اگر چنان چه قضیه ی حدیث غدیر به خاطر اختلاف علی بن ابی طالب با سپاه یمن بود؟ چرا در هیچ روایت غدیر نیامده است؟ که مثلاً پیغمبر بگوید آی مردم مثلاً اختلافی میان شما با علی بوده. مثلاً علی آدم خوبی است.

کسی بخواهد یک دعوایی را حل کند یک اشاره ای می کند دیگر یک روایت ضعیف بیاورند به ما نشان بدهند که پیغمبر گفته باشد که این حدیث غدیر به خاطر اختلاف علی با آن سپاه یمن بوده. یک روایت ضعیف جعلی بیاورند به ما نشان بدهند. قضیه بعد از هفت صد هشت صد سال آقای ابن کثیر.

آقای محسنی:

وحی شده است به ایشان.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بله وحی شده به ایشان چه بوده همیچین حرفی را مطرح کرده است. و اضافه ما ثابت کرده ایم اصلا این قضیه ی جیشی یمن تقریبا یک سال دو سال قبل از قضیه ی غدیر بوده همان طوری که خود زینید احلان دارد بر این که قضیه ی سپاه یمن مربوط به بعد از فتح مکه است. فتح مکه سال ۸ هجری بوده غدیر سال ۱۰ هجری بوده دو سال با هم تفاوت دارد.

برعیده می گوید قضیه ی جیش یمن در مدینه بوده. ما از یمن آمده ایم پیش پیغمبر شکایت کردیم. اصلا ارتباطی به این قضیه ندارد. این را ما بارها آقای عزیزی بزگوار گفتیم ولی این را ولی ما عرض کردیم برای این ها مثل سوره ی یاسین خواندن است ولی برای عموم مردم عزیزان اهل سنت یا آن دسته از وهابی هایی که دنبال کار علمی و تحقیقی هستند این را ما مفصل مطرح کردیم و اصلا یک کتابی من تألیف کرده ام اصلا مخصوص در این زمینه و خود سازمان حج چاپ کرده است.

شبهة الجیش الیمن.

و همچنین در کتاب نقدفاری جلد ۲ ما حدود هفتاد هشتاد صفحه به این شبهه مفصل آن جا جواب داده ایم. حالا ان شاء الله ما به حول و قوه ی الهی در این ایام غدیر باز این مباحث را ان شاء الله ما مطرح خواهیم کرد.

آقای محسنی:

آقای عزیزی اگر سوالی ندارید ما با شما خدا حافظی کنیم. آقای عزیزی.

بیننده:

نه استاد چون در راه برگشت از مکه بوده مسلمان ها ی مکه مسلمان ها که به مدینه بر می گشتند مطالب انقدر مهم نبوده که به آن ها بگویند. این بود شبهه.

آقای محسنی:

نه این طور نیست.

بیننده:

چون در راه بازگشت بوده.

آقای محسنی:

اولا که برای پیغمبر خدا نباید تعیین تکلیف کنیم چون ایشان تابع وحی هستند و هر جا خدا گفته است باید آن جا مطرح بکند. آن جا که ایشان مطرح کردند خدا صلاح دانسته است و خدا امر کرده است و پیغمبر هم اطاعت کرده است و انجام داده است. این یک مطلب، دوما این که در آن شش خطبه و یا هفت خطبه یا چهار خطبه که حالا نسبت به اعلامی مختلف دارند این را مطرح می کنند در مکه مطرح شده است. خیلی از این ها هم حدیث غدیر را هم حدیث ثقلین گفته شده است.

و هم بحث خلفا آن جا مطرح شده است. آن جا که این ها چرا شما اشکال به این مباحث نمی گیرید؟ حدیث ثقلین را تنهای تنها در سه تا از خطبه هایش گفته شده است. دیگر این کفایت نمی کند؟ به هر صورت تعیین تکلیف برای پیغمبر کردن این صحیح نیست هر چه ایشان صلاح بدانند ما باید اطاعت بکنیم.

بیننده:

خیلی ممنون.

آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنیم جناب آقا محمد از تهران از برادران اهل سنت سلام و عرض ادب داریم خدمتتان.

بیننده:

سلام عرض می کنم خدمت شما خدمت آیت الله آقای قزوینی هم سلام عرض می کنم.

آقای محسنی:

و علیکم السلام.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

سلام و علیکم و رحمت الله و برکاته.

بیننده:

من یک سوالی داشتم حقیقتش من آدمی نیستم که زیاد کتاب های مذهبی خوانده باشم رشته ام کامپیوتر است تخصصم در کامپیوتر است. ولی یک سوال دارم کلی می پرسم و خواهش هم که دارم از آقای قزوینی کلی جواب من را بدهند. تخصصی جواب ندهند.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

چشم.

بیننده:

آن هم این است که سوال من این است که پیامبر زمانی که مبعوث شد و نماز خواندن واجب شد پیامبر چند دفعه نماز می خواند؟ روزی چند دفعه وضو می گرفتند در ملع عام؟ خیلی می شود زمانی که پیغمبر عمر کرده است ضرب در ۳۶۵ روز کنیم و ضرب در ۵ کنیم که روزی پنج وعده این کار را می کرده عدد خیلی زیادی می شود که پیغمبر کاری بوده که هر روز در ملع عام انجام می داده.

حالا در کتب سنی و کتب شیعه سر یک کاری که پیغمبر روزی ۵ بار طور هزاران بار کل عمرش انجام داده است اختلاف هست بین وضو و نماز، حالا چطور مثلا دین شیعه می آید مثلا ولایت را از کتب خودش اثبات می کند و دین سنی می آید رد می کند؟ دین شیعه می آید مهدویت را اثبات می کند دین سنی از کتبش رد می کند.

شیعه می آید حدیث غدیر را که یک وحیی بوده و پیغمبر یک بار هم اتفاق افتاده است می آید اثبات می کند. سنی این را رد می کند. حالا کاری که پیغمبر روزی چند بار هزاران بار در سال انجام داده است و در ملع عام انجام داده است این دو فرقه با هم مشکل دارند در کتابشان چطوری می آیند چیز های ریز دیگر را ثابت می کنند؟ این را من می خواستم بدانم جوابش چه است؟

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

ببینید برادر بزرگوار چند تا جواب من می توانم به صورت کلی خدمت حضرت عالی مطرح کنم. یک، این که رسول اکرم آمده است یک جمعیتی که یک عمر با بحث زمان جاهلیت انس گرفته بودند عربی که وقتی می آید خدمت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم می گوید یا رسول الله آیا برنامه ی بهشت آن جا مثلا جنگ و غارت و تجاوز به ناموس مردم است یا نه؟

پیغمبر می فرماید اصلا آن جا جای این چیز ها نیست. این عرب بر می گردد می گوید بهشتی که جنگ و جدال و قتال نباشد ما همچین بهشتی را نمی خواهیم. شما ببینید پیغمبر اکرم این مطالب را ابتدا با این افراد شروع کرده است و در کتاب صحیح بخاری که عزیزان اهل سنتمان بعد از قرآن صحیح ترین کتاب بعد از قرآن می دانند. خود نبی مکرم در زمان حیات خودشان یک سری از مسائلی که از آثار جاهلیت بوده از ترس این که صحابه از دین بیرون نروند صحابه مرتد نشوند صحابه شورش نکنند پیغمبر انجام نداد.

شما ببینید در صحیح بخاری جلد ۸ صفحه ی ۱۳۲ حدیث شماره ی ۱۵۸۴ روایت از عایشه ام المومنین هم است که می گوید یا رسول الله آیا حجر اسماعیل جز خانه ی خدا است یا نه؟ می گوید بله. می گوید چرا دستور نمی دهید داخل بیت الله کنند؟ پیغمبر می گوید:

لولا عن قومك حدیث عهدهم بالجاهلیة.

عایشه اگر نه این بود که قوم تو هنوز آثار جاهلیت از ذهنشان بیرون نرفته است.

فی اخافو عن تنکر قلوبهم.

می ترسم قلب های این ها انکار کند.

حتی بعضی ها از اسلام بروند بیرون این صحیح بخاری حدیث ۱۵۸۴ ببینید خود پیغمبر اکرم در زمان حیات خودشان یک سری مسائل را ایشان انجام ندادند بعد از رحلت پیغمبر هم آمدند تعدادی از روایات پیغمبر را سوزاندند. شما گفتید کلی جواب بدهید من هم می خواهم کلی جواب بدهم آقای ذهبی از ائمه ی جرح تعدیل اهل سنت است کتابی دارد به نام تذکر الحفاظ جلد ۱ صفحه ی ۵ از قول خلیفه ی اول هم نقل می کند. عایشه می گوید پدرم روایاتی که از پیغمبر بود پانصد تا بود جمع کرد و همه را آتش زد این را که ما نقل نمی کنیم. کتاب کافی و بحار و نمی دانم این ها که نیست. یا شما ببینید بعد از نبی مکرم چه بلایی بر سر سنت پیغمبر آوردند باز صحیح بخاری عزیز من حدیث ۵۳۰ از قول عنس بن مالک صحابه پیامبر است می گوید داشت گریه می کرد. قطرات اشکش جاری بود. گفتند چرا گریه می کنید؟ می گوید.

لا اعرفو شیعا مما ادرکتو الا هذا الصلاة.

تنها چیزی که از زمان پیغمبر از سنت پیغمبر مانده بود نماز بود.

و هذا الصلاة قد ضیعة.

نماز را هم ضایع کردند.

حال من از شما به عنوان یک عزیز سنی می پرسم این هم که مال صحیح بخاری است عنس بن مالک می گوید نماز را ضایع کردند معنای ضایع کردن نماز چه است؟ یا در کتاب العم مال امام شافعی است جلد ۱ صفحه ی ۲۳۵ از قول مالک نقل می کند که در آن جا از بحر بن کیسان است می گوید:

کل سنن رسول الله قد غیرة.

تمام سنت پیغمبر تغییر داده شد.

حتى الصلاة.

حتى نماز را هم تغییر دادند.

آیا با آن وضع زمان پیغمبر این هم وضع بعد از پیغمبر شما ببینید در خود صحیح بخاری من یک روایتی را بخوانم روی این روایت خیلی فکر کن آقای محمد آقای عزیز این حدیث ۷۵۱ صحیح بخاری است. علی بن ابی طالب بعد از بیست و هفت سال از بله سی و هفت بله بعد از حدود بیست و شش سال بعد از رحلت پیغمبر در جنگ جمل، جنگ جمل که تمام می شود علی ابن ابی طالب نماز می خواند. از صحابه ای که پشت علی نماز خواندند مثل عمران بن حسین و دیگران گفته اند. ذکرنا هذا الرجل صلاة كنا نسلى ها مع رسول الله.

نماز علی یاد آور نماز پیغمبر بود. این نماز به یاد ما انداخت که پشت سر پیغمبر ما چطوری نماز می خواندیم.

این هم صحیح بخاری عزیز من جلد ۱ صفحه ی ۲۷۱ همان طوری که عرض کردم حدیث شماره ی ۷۵۱ و لذا با توجه به این چند نکته سخن پیغمبر که فرمود:

عنی تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي و اهل بيتي إنت مسكتم بهما لنتظلو بعدي.

پیغمبر فرمود بر این که بعد از خودم هم کتاب هم اهل بیتم را به عنوان بزرگ یاد گار می گذارم. اگر چنان چه به این ها شما تمسک جستید نجات پیدا می کنید گمراه نمی شوید و اگر از قرآن و از اهل بیتم فاصله گرفتید گمراه می شوید.

این هم، هم در صحاح عزیزان اهل سنت آمده است حدیث ۶۱، ۱۹ صحیح مسلم است که البته یک مقداری ناقص نقل کرده است که.

اذکرکم الله اذکرکم الله.

آورده است. ولی این که من.

عن تارک فیکم ثقلین.

را ایشان آورده است در آن جا و اضافه بزرگان اهل سنت مثل ترمذی و دیگران نقل کرده اند و گفته اند این روایت صحیح است.

ابن کثیر دمشقی هم در تفسیرشان نقل می کند که این روایت صحیح است. در سیره ی نبوی شان نقل می کند می گوید استاد ما ذهبی گفته است این حدیث ثقلین حدیث صحیح است. و لذا ما شیعه اگر دنبال اهل بیت می رویم و هر چه اهل بیت گفت می پذیریم با این چند تا مقدمه و این حدیث ثقلین بوده. حالا اگر حضرت عالی نکته ای دارید در خدمت شما هستم.

آقای محسنی:

آقای محمد آقا.

بیننده:

دست شما درد نکند.

آقای محسنی:

سوال خیلی خوبی کردید آقا محمد ولی این را هم داشته باشید مخصوصا پاسخ آخر حضرت استاد

انصافا خیلی زیبا بود. نگاه کنید اگر شما ملاحظه بفرمایید ما به هر صورت خداوند در قرآن می گوید:

لله حجت البالغه.

و حجت بلیغ برای خدا است.

ما همه باید به آن حجت بلیغ برسیم و اگر نه فردای قیامت نمی تواند با ما مأخذ بکند. تکلیف به عالم

طاق نمی تواند بکند به اصطلاح طلبگی اگر بخواهیم بگوییم. به هر صورت شیعه با اهل سنت این است که همین

است که استاد فرمودند طبق حدیث ثقلین ما تا سال سی صد و بیست و شش یعنی دویست و پنجاه شش که

حضرت امام زمان به دنیا آمدند و هفتاد سال بعدشان که تا غیب صغری داشتند. این ها ما دستمان یعنی به

دست معصوم و ائمه می رسیده و همه مشکلات و مباحثمان را پرسیده ایم.

و در کتاب ها نوشته شده است و اعلامی ساخته شده است و اعلاما دین را محکم کرده اند و همه ی

مباحث اسلام محکم شده است و بعد از آن دیگر این مباحث است که دیگر آن ها هم خودشان دستور داده اند

حضرت امام زمان که به اعلاما مراجعه بکنید. و این دین اعتقاد شیعه این است که به ما قوت و به این صلوات

می دهد.

حالا دیگران را که می بینید دیگر به هر صورت به هر کسی که رسیده اند خلاصه تمسک کرده اند که

این خلاف صحبت پیغمبر است.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

آقای محمد آقا شاید یک فرشته ی بود آمد یک همچین سوالی کرد.

آقای محسنی:

خیلی خوب بود حاج آقا.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

و به همین شکل بیان کردیم ان شاء الله امیدواریم این سوال محمد آقای عزیز که سوال خیلی ها حتی شیعه ها باشد یا عزیزان اهل سنت باشد با این توضیحی که ما داده ایم محمد آقای عزیز اگر الان هم شاید این توضیحات به قولی فیس تو فیس بوده خیلی روشن نشود. شما تکرار برنامه را هم ببینید شما برادر بزرگوارم آن جا یک مقداری نسبت به این اراعی که عرض کردم از کتاب های اهل سنت نقل کردم.

اگر بتوانید می ارزد برادر عزیزم که یک دو روزی سه روزی یک هفته وقت بگذارید این اراعی که من کردم تحقیق کنید بررسی کنید. اولاً ببینید این آدرس هایی که من دادم این روایت هایی که خواندم درست است یا درست نیست؟ شاید من دروغ گفته باشم. اگر دیدید درست است بعد. بله؟

آقای محسنی:

۶ صبح و ۲ بعد از ظهر.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

۶ صبح و ۲ بعد از ظهر، و ببینید عزیزم اگر ان اراعی که من کردم دیدید درست است در صحاح اهل سنت آمده است. فقط خواهشم این است که یک مقداری تدبر کنید اصلاً چه شیعه هم باشد اصلاً ما باید در مسائل اعتقادی آن تعصب خودمان را کنار بگذاریم.

و ببینیم واقعا خود قرآن آیه ی ۱۷ و ۱۸ سوره ی زمر می گوید:

فبشر.

پیغمبر بشار بده مژده بده.

به که؟

عباد الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه.

آن بندگان من که اقوال مختلف مذاهب مختلف ادیان مختلف را می شنوند و بهترینش را انتخاب می

کنند.

آقای محسنی:

ممنون هستیم آقای محمد آقا اگر سوال دیگری ندارید. طولانی شد.

بیننده:

من یک مطلب کوچک می توانم بگویم استاد؟

آقای محسنی:

بیننده ی دیگری هم پشت خط داریم اگر.

بیننده:

من فقط گوش دادم. حرف نزدیم. می خواهم یک مطلبی را بگویم.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

بفرمایید برادر عزیزم بفرمایید.

بیننده:

عرض کنم خدمت آقای قزوینی بگویم که برنامه را من ضبط کرده ام بعد از این که قطع کردم می نشینیم چهار پنج بار گوش می دهم صحبت هایشان را دقت می کنم مشکلی ندارد.

آقای محسنی:

ان شاء الله.

بیننده:

فقط من یک سوالی که دارم می خواهم بدانم نظر آقای قزوینی درست است در این مسئله که من می گویم یا نه؟ ما سنی و شیعه را بگذاریم کنار اسلام ناب محمدی را بگذاریم وسط چون سنی و شیعه معنی ندارد ما اسلام را باید بشناسیم. حالا این اختلافی که الان سنی با شیعه دارد سر همین مسئله ی نماز شیعه ها یک طور می خوانند سنی ها یک طور می خوانند. و این نماز چیزی بوده که در ملع عام پیغمبر انجام می داده چند بار کسی که خارج از دین باشد.

مثلا مسیحی باشد از ادیان دیگر باشد بخواهد وارد دین اسلام بشود آیا همین اولین مرحله همین مسئله جلویش را نمی گیرد؟

آقای محسنی:

حالا من یک سوال دیگر از شما می پرسم.

بیننده:

جانم.

آقای محسنی:

من می گویم که اگر شما مبانیه ی اسلام را یاد بگیرید و اگر شما واقعا اگر فهمیدید که بعد از پیغمبر جانشینی پیغمبر توسط حضرت امیر است باز برای نماز هم سوال می کنید؟ یا دیگر هر چه ایشان گفت.

بیننده:

به فرض حضرت امیر باشد. از کجا معلوم.

آقای محسنی:

شما نگاه کنید پس شما الان تشکیک نکنید در این بیاید تشکیک کنید در مراتب بالا تر بگویید که جانشین پیغمبر که است؟ اگر پیغمبر را قبول کردید.

بیننده:

برادر من جانشین پیغمبر من چه به فرض قبول کنم که حضرت علی است فرض کنم این در محاسبه ی من در روز قیامت تاثیری ندارد. اعمال من تاثیر دارد. این تعصبات غلط ما است که فکر می کنیم اگر ما مثلا ولایت حضرت علی را قبول نکنیم در جهنم قرار می گیریم. هیچ جای قرآن این را ننوشته است. بلکه سر اعمال ما محاسبه می شویم نه سر یک همچین مسائلی چرا شما این را بزرگ می کنید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

آقای محمد آقا این اعمال را از کجا می خواهید بگیرید؟

بیننده:

از قرآن.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

باشد از قرآن بارک الله. آقای محمد آقا همین از قرآن می خواهید بگیرید.

بیننده:

قرآن نگفته است ولایت امام علی را قبول نکنید شما مسلمان نیستید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

آقا جان آقای بزرگوار همین از قرآن می خواهم از شما از قرآن سوال کنم.

بیننده:

فقط با قرآن سوال کنید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

فقط قرآن در آیه ی وضو چه گفته است آیه ی وضو؟

بیننده:

آیه ی وضو یک توضیحاتی دادند چون الان گفتم وارد نیستم ولی توضیح داده است که دست ها را ولی

من دقیقا آیه اش را الان یادم نیست. شما اگر می توانید بخوانید؟

آقای محسنی:

پس لطف کنید برای من نماز صبح را بگویید.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

آیه ی ۶ سوره ی مائده، اصلا ما کاری به چیز دیگر نداریم ما وضو را می خواهیم. کاری نه به شیعه داریم و نه به سنی داریم. قرآن می گوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ.

هر وقت می خواهید نماز بخوانید.

فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ.

صورتتان را بشوید.

درست شد؟

وَأَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ.

دستتان را هم بشوید.

وَامْسَحُوا بِرِءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ.

سر تان پای تان را مسح کنید.

بفرمایید این را که دیگر قرآن دارد می گوید. سر تان و پای تان را مسح بفرمایید. چرا شما الان موقع

وضو گرفتن پایت را می شوید شما؟ این را که دیگر قرآن است دیگر ارتباطی به شیعه سنی ندارد عزیزم.

بیننده:

نظرتان درست است اگر نوشته است.

امسحوا.

یعنی مسح است درست است.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

شما ببینید و اضافه ما این را از قراء بزرگ حالا شاید بعضی ها شما بروید بگویید چرا گفته است.

أرجلكم.

نگفته است.

أرجل کم.

نگفته است؟ اگر واقعا بنا بود ما پا هایمان را بشوییم باید قرآن می گفت آقا صورت تان دست تان پا

هایتان را بشوید سر تان را مسح بکشید.

أرجلكم.

را می آورد قبل از.

برعوسکم.

می آورد دیگر. می گوید آقا صورت شستن دست شستن سر مسح کشیدن پا هم مسح کشیدن، و

اضافه اصلا شما ببینید اصلا من کاری یک نکته ای را هم من می گویم خدمت شما این هم از صحیح بخاری

بروید بگیریید عزیز دل من، صحیح بخاری حدیث شماره ی ۶۰، سال ۶۱ عاشورا بود یک سال قبل از او، حدیث ۶۰

و همچنین حدیث ۹۶ از قول عبد الله بن امر بن عاص می گوید ما وضو می گرفتیم زمان پیغمبر در یک

مسافرتی غیره ای بودیم.

فجعلنا نمسح علی أرجلنا.

ما صحابه نمی گوید من ما صحابه پایمان مسح کشیده ایم. این هم که صحیح بخاری محمد آقای عزیز

دیگر شما چه می فرمایید؟

آقای محسنی:

آقای محمد تقریبا نوزده دقیقه با شما حرف زدیم.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

ولی به شما این نکته را بگویم عزیزم شمایی که می گوید فقط از قرآن به من بگو من همین مورد را از قرآن آورده ام من گمان می کنم احساس می کنم حضرت عالی آن چه را که نیاز بود نحوه ی صحبت شما این بود کاملا متوجه شدید خدا جزای خیرتان بدهد. ولی قرآن تنها کفایت نمی کند برای ما اگر ما بخواهیم مسلمان واقعی باشیم. هم قرآن هم سنت.

آقای محسنی:

خیلی ممنون.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

قرآن بعضی از چیزها را مثل وضو خیلی روشن کرده است ولی نماز صبح، شما می خواهید صبح نماز صبح بخوانید کجای قرآن گفته است نماز صبح؟ کجا گفته است نماز چند رکعت است؟ کجا گفته است نماز رکوع و سجده دارد؟

و لذا ما در خواستمان از حضرت عالی این است که فقط به قرآن نگاه نکنید بلکه بعضی از چیزها است که قرآن به صراحت گفته است بعضی از چیزها را هم واگذار کرده است به عهده ی پیغمبر، آیه ی ۷ سوره ی حشر آیه ی ۴۴ سوره ی نحل را هم حضرت عالی ان شاء الله فراموش نکنید.

آقای محسنی:

خیلی ممنون حاج آقا فرصتمان تمام شد بله جناب آقای خاکی هم پشت خط بودند از کاشان که عذر خواهی می کنیم و نمی توانیم خدمتشان باشیم ان شاء الله جلسات بعد، حاج آقا فرصتمان تمام شد دیگر پایان همه ی مباحث و حسن خطاب برنامه دعای حضرت عالی است که برای ما و همه ی عزیزان دعا بفرمایید که در رأس همه ی دعا ها.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

یک شب شما دعا بفرمایید حاج آقا.

آقای محسنی:

تا آب هست تیمم باطل است حاج آقا.

آقای آیت الله حسینی قزوینی:

خواهش می کنم. بزرگوار هستید. خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی امیر المومنین به آبروی امیر المومنین به آبروی امیر المومنین اگر بنا است امشب یک حاجت به ما بدهید و یک دعا برای ما به اجابت برسانی آن حاجت ما هم تعجیل فرج مولایمان بقیه الله العظم است. به آبروی علی به خون قلب علی بن ابی طالب خدایا فرج مولای ما هر چه سریع تر نزدیک بگردان. خدایا اگر بنا است تفضلی کنی بیش از یک حاجت برای ما بدهی حاجت بعدیمان خدایا به آبروی علی ما را از یاران ویژه ی آن بزرگوار قرار بده.

بر همه ی بیمارانمان لباس عافیت بپوشان. رفع گرفتاری از گرفتاران بفرما. خدایا آن کسانی که به دنبال تفرقه میان امت اسلامی هستند اگر قابل هدایت هستند هدایت و اگر نه رسوا مفتضح و نابودشان بگردان.

خدایا شر فتنه گران به ویژه فتنه گران وهابی و صلفی را از امت اسلامی دور بگردان. خدایا به آبروی امیر المومنین حوائج همه را بر آورده نما. حوائج ما را هم برآورده نما. دعا های ما را به اجابت برسان.
و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذاریم از حضرت استاد و بیانات شیرینشان و این مطالب علمی که بیان کرده اند همه ی ما استفاده کردیم و سپاس گذاری می کنیم از ایشان و از همه ی همکاران عزیزم که تدارک برنامه را دیده اند هم ممنون هستیم و از شما بیننده ی عزیز هم که تا این لحظه تحمل کردید و این برنامه دو ساعته را مشاهده کردید سپاس گذاری می کنیم.

امیدواریم که خداوند از شما و ما قبول بکند و ان شا الله توفیقات ما و شما را روز افزون بفرماید و در پایان همه ی مباحث قبل از این که دعا برای امام زمان علیه السلام بکنیم کلیپی را پخش می کنند دوستان عزیز ما نسبت به این اتفاقاتی که جدیداً و اخیراً اتفاق افتاده است به نام وهابیت و رسوایی هایی که بعد از برنامه بلا فاصله پخش می شود و خواهش می کنیم بیننده ی این برنامه هم باشید و در پایان همه ی مباحث عرض می کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج.

التماس دعا و خدا نگه دار.